محل اداره
مجلس شورای ملی
شماره تلفن: ۳۰۴۴۸ و ۳۸۸۹۴ و ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۰
روزنامه یومیه تکشماره ۳ ریال

بهای اشتراک
مذاکرات مجلس شورای ملی سالیانه ۲۰۰ ریال
مذاکرات مجلس سنا « ۲۰۰ «
آگهی ها « ۶۰۰ «
مذاکرات مجلسین و آگهی ها « ۹۰۰ «

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی وقانونی.

شماره ۲۹۶۹ | پنجشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۳۴ | سال یازدهم

شماره مسلسل ۱۰۷
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۰۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب :

۱- تصویب صورت مجلس
۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان، مهندس جفرودی - خلعتبری
۳- بقیه مذاکره در برنامه دولت آقای علاء نخست وزیر
٤- تعیین موقع ودستور جلسهٔ بعد - ختم جلسه

مجلس دوساعت وبیست دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسهٔ قبل قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان، سرمد - نقابت - دکتر شاهکار - کاشانیان - پیراسته - جلیلوند - موسوی - اورنك - بهبهانی - سلطانمراد بختیار.

غائبین بی اجازه - آقایان، بیات ماکو - عبدالحمید بختیار - خزیمهٔ علم - مکرم - شادلو - بوربور - سعیدی - میر اشرافی - احمد صفائی - بهادری - فراگوزلو - بزرك ابراهیمی - سلطانی - خاکباز - امیراحتشامی - کریمی - پناهی - کدیور

دیر آمدگان وزود رفتگان با اجازه - آقایان، سهرابیان - کاشانی - غضنفری - ثقة الاسلامی - دکتر بینا - دکتر آهی - امیر تیمور کلالی - دکتر افشار - دکتر حمزوی - حشمتی - سندجی - اردبه

رئیس - نظری نسبت بصورت مجلس نیست؟ آقای قنات آبادی

قنات آبادی - درعرایض من یك غلط های چاپی هست که تصحیح میکنم میدهم به تند نویسی

رئیس - دیگر نظری نیست؟

(گفته شد - خیر) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد.

۲- بیانات قبل از دستور

آقایان - مهندس جفرودی
خلعتبری

رئیس - نطق قبل ازدستور شروع میشود (چند نفر ازنمایندگان - دستور)

آقای مهندس جفرودی.

مهندس جفرودی - درتاریخی که تیمارسپهبد زاهدی برسر کار آمدند صفحه ای ازتاریخ ایران ورق زده شد وهنگامی کهایشان با داشتن یاران صمیمی درمجلس ودوستان متمتع درمملکت از کاربر کنار گردیدند دوره خاصی ازتاریخ اجتماعی ایران پایان یافت (صحیح است)

سپهبد زاهدی مردی با شهامت و رفیق باز بود ودر تمام دورهٔ زمامداری خود یاران خود را مورد عنایت وحمایت خویش قرارداد ودررضای خاطر آنان از منافع عمومی ومصلحت کشور وحتی صلاح ادامه زمامداری خود چشم بپوشید. بنابر این بسیارطبیعی است که از میان یاران و اطرافیان ایشان، تنی چند از آن عده که از خزانه عمومی و بیت المال ملت برایگان بهره مند میگردیدند و با روی کار آمدن دولت جدید آسانترین راه تحصیل ثروت بیکران را برخود مسدود میبینند بتلاش وتکاپو بیفتند وآنچه راکه از ظلم وستم و گرانی هزینه زندگی برملت ایران گذشت نا دیده بگیرند ودر اعاده بساط گذشته روزی چند کوشش کنند.

یکی ازهمکاران محترم مجلس در جلسه بیستم فروردین ماه سال جدیدعلت کناره گیری تیمسار سپهبد زاهدی را استفسار میفرمود. تاآنجا که مطلب، بطوربی غرضانه وعاری ازشائبه، مربوط بحقوق مجلس ومجلسیان است من نیز به ایشان حق میدهم ومعتقدم که نماینده مجلس باید علل وجهات تغییرات وتحولات را بداند. وخواهان تأثیر مجلس درآنها باشد مشروط براینکه تأثیر وجود مجلس ومجلسیان همواره درراه خیر و صلاح ملك و ملت باشد.

اگر مقتضیات خاصی در مرداد ۱۳۳۲ موجب شد که تیمسار سپهبدزاهدی برسر کار بیایند علل وجهات بسیاری باعث گشت که ایشان، بر خلاف میل خود، ازکار کناره گیری نمایند. از جمله این جهات، لاشك، ترقی سرسام آور هزینه زندگی، رواج بازارفساد وزشوه خواری عدم رضایت شدید قاطبه مردم ایران و اظهارنظر صریح عده ئی ازنمایندگان دومجلس رامیتوان نامبرد (کی نژاد - اینطورنیست) (ذوالفقاری - اینطورهست) (کی نژاد - نیست آقا غرض است) (نراقی - آنها که هرروز بوقلمون صفتند میگویند اینطور است یك روز توده ای هستند یك روزاین حرفها را میزنند) (زنك رئیس)

رئیس - نطق قبل ازدستور عقیده یك نفروکیل عقیدهٔ اکثریت یا دیگران نیست.

(عبدالصاحب صفائی - آقا منصفانه باید صحبت کرد)

مهندس جفرودی - هیچ منصفی نمیتواند منکر برخی اقدامات مفید دوره زمامداری سپهبد زاهدی گردد (صحیح است) دردوره حکومت بیست ماهه ایشان ارتش ایران واز خود گذشتگی چندتن افسر پاك دامن میهن مارا ازچنگال خونین مشتی بیگانه پرست وعمال بیگانه رهائی بخشید، وبرخی مشکلات خارجی حل شد و بادول بیگانه روابط حسنه برقرار گردید،

درسراسر ایران ساختمانهای جدیدی برای مدارس ساخته شد، وبساط هرج و مرج برچیده شد.

دریغ اکه درمقابل این خدمات گرانبها اصول ومبانی اخلاقی زیر پا گذاشته شد، امانت ودرستی ازمیان ادارات رخت بر بست، نادرستان، رشوه خواران، پشت هم اندازان ومتظاهرین بفسق جانشین درستکاران، پاکدامنان، و وظیفه شناسان گردیدند. هر کس که بیشتر گرد فجایع می گشت وبهتر بی عفتی می کرد آسان تر صاحب مقام ومنصب میگردید. (کی نژاد - منحرف همیشه در ادارات بوده است)

دردوره بیست ماهه حکومت گذشته عده ای، درکمال بی پروائی، پرده رشوه خواری وبی عفتی را ازهم دریدند

عبدالصاحب صفائی - آقای

مهندس متصفانه صحبت کنید این روش صحیح نیست شما الان بدولتی که اینجا نشسته توهین میکنید برای اینکه همین وزراء بودند

قنات آبادی- آقا همین وزرا بودند همین ها بودند آقای انتظام آقای امینی آقایان وزراء این فحش هارا دارند بشما میدهند.؟

(زنك رئیس- دعوت بسکوت)

رضائی- مملکت را ازجا برداشته بودند حالا میگویند نه

عبدالصاحب صفائی- شماها بودید اینکارهارا میکردید اعلیحضرت همایونی تأیید کردند آقای جفرودی

رئیس- آقای صفائی بنشینید من بشما تذکر میدهم شما هم بعد بیائید جواب بدهید.

صفائی- دارند توهین میکنند

قنات آبادی- آقایان وزراء، آقای امینی، آقای انتظام این فحش هارا دارند بشما میدهند شما با سپهبد زاهدی مسئولیت مشترك داشتید

صفائی- این حرف ها صحیح نیست (زنك متد رئیس- دعوت بسکوت)

رئیس- مگر نمیدانم صحیح نیست من میگویم یك نفر وکیل مخالف دارد اظهار عقیده می کند شماهم، دو ساعت دیگر بیائید صحبت کنید

• **قنات آبادی**- مجلس جای فحش نیست

نراقی- کمونیست ها هرروز بیك رنگی در می آیند، این حرفها چیست آقای رئیس اجازه بفرمائید جواب بدهم

رئیس- شما اسم نوشته اید بیائید صحبت کنید.

عبدالصاحب صفائی - آقای جفرودی خواهش میکنم صرفنظر کنید من دوستانه بجنابعالی عرض میکنم شخصیت داشته باشید

رئیس- ساکت باشید آقای صفائی من بشما اخطار خواهم کرد من بشما تذکر دادم دفعهٔ اول

مهندس جفرودی- وبا استفاده ازحمایت دولت هرمبلغ که خواستند از خزانهٔ ملت یغما بردند (شمس قنات آبادی- شما هم درش شریك بودید)

کی نژاد- آقای امینی وزیر دارائی بوده است

عبدالصاحب صفائی - آقای جفرودی شما چرا ایجاد تشنج می کنید بیانتان را بکنید حرف های زننده هم لازم نیست

مهندس جفرودی - هرنحو که اراده کردند برمردم بینوای اینکشور جور وستم روا داشتند گوئی ازسیاه اجنبی بودند که برقومی مغلوب چیره شدند یکی در شرکت بیمه دست به یغما زد و خلعت گرفت وازمجازات درامان ماند وآن یکی در یك مؤسسه بزرك اقتصادی میلیون ها تومان ازخزانهٔ ملت را تفریط کرد ومدیر کل شد ومحبوبتر گردید

رئیس - آقای جفرودی این نطق قبل از دستور برای کارهای مهمی است که بعرض مجلس برسد این ایجاد تشنج کردن برای یك دولتی که امروز برنامه اش را آورده است مقتضی نیست خواهش میکنم آقایانتان را مختصرتر بفرمائید

جفرودی - چشم

عبدالصاحب صفائی- این بیانات صددرصد بضرر دولت است

مهندس جفرودی - درفرهنك، درمهد علم وکانون تربیت. آن نماینده فرهنگی تامبلغی نقد ازآن پسر دریافت نمیداشت وتا دامن آن دختر را لکه دار نمیساخت، آن ها را بعنوان آموزگار استخدام نمی نمود درآغاز اشتغال بحرفه شریف معلمی بیکی رشوه خواری وبدیگری بی عفتی می آموخت (جنجال وهمهمه شدید - زنك رئیس)- (عبدالصاحب صفائی - این حرف هارا نزنید) (شمس قنات آبادی - اگر سیمان را میدادند این حرفها را نمیگفتی) (اردلان - چرا استیضاح نمی کردی) بیچاره جعفری که آن همه امتیاز برای فرهنگیان از مجلس گرفت وبرای نخستین بار آن همه بنای جدید درمدت کوتاه یکسال برای دبستان ها بنا نمود ولی سرانجام درراه حمایت ازعده ای ازهمکاران بد نام ورشوه خوار فرهنگی خود بآبرو وحیثیت خویش لطمه شدید زد (صفائی - اینطور نیست آقای جفرودی)

در اواخر سال گذشته همه مردم این شهر میدانستند که بموجب تصویبنامه ای عده ای خرج سفر گرفتند وبمسافرت های ایام عید رفتند (نراقی - میخواستم صرفنظر کنم ولی حالا صحبت میکنم)

در حکومت بیست ماهه گذشته کار رشوه خواری وبی عفتی وفرار ازمجازات های قانونی برسوائی کشید و عده ای از ما از بیم آن که مبادا قبح اعمال قبیح بکلی از بین برود واین بیماری سارية به مردم دیگر نیز سرایت کند معتقد شده بودیم که با تصویب مجلس مبلغی گزاف ازخزانه ملت باین طفیلی های اجتماع هدیه شود که باآن بخارج سفر کنند وخاك میهن را، یك چند صباحی، ازلوث وجود خود در امان نگهدارند

اینها بود شمه ای از جهات و دلایل برکناری دولت گذشته که عده ای ازما در ایام قدرت دولت (قنات آبادی - از نظر مغز فرسوده شما) مادست ازامنیت خود شستیم واز پشت همین تریبون بعرض نمایندگان محترم رسانیدیم.

جناب آقای حائری زاده که در راه حمایت از نیسار سپهبدزاهدی با جناب آقای دکتر امینی در افتادند و شخصیت مجلس را بخطر انداختند در جلسه روز یکشنبه بیستم فروردین ماه سال جاری بقسمتی از مفاسد بالا اعتراف فرمودند و رئیس دولت وقت را نیز متذکر گردیدند.

اکثریت محترم آنروز مجلس مصلحت ندید که بندای مردم محروم و ستمدیده ایران که بانهایت متانت بوسیله عده ای از نمایندگان مجلس بعرض آنها میرسد پاسخ مثبتی بدهد وباتوجه باوضاع واحوال جهان هوشیاری بی نظیر مردم ایران در ایجاد این تحول وتغییر مجلس را پیشقدم نماید.

واماشاه ایران (صفائی - اسم شاه را نیاورید) شاه ایران (قنات آبادی- اسم شاه را بیخود نیاورید. هرعملی را زیراسم شاه پنهان نکنید) که سالها برمردم این سرزمین، پادشاهی خواهند کرد. سلطنت برمردم غارت زده ومظلوم را برای خود افتخاری نمیدانند، نتوانستند ناظر وشاهد آنهمه جریانات سوءدر کشور باشند واجازه دهند که معدودی خود خواه وفاسد بنام ۲۸ مرداد بجان و مال مردم دست تعدی دراز کنند. شاهی که بامطالعه امنیت واقعی ومشاهده صدرحقیقی تمدن وملاحظه خدمات بیریای زمامداران بعداز یك سفر طولانی از کشور های مترقی جهان بازگشتند تاب تحمل اوضاع ناهنجار بر مملکت و ملت خویش رانیاوردند وتحت تاثیرات شدید با تقاضای کناره گیری تیمسار سپهبدزاهدی موافقت فرمودند وبااین عمل وتوصیه در تشکیل دولت خوشناسی یك بار دیگر بداد ملت ایران رسیدند، من یقین دارم که برای مجلس ومجلسیان مصلحت کشور و مصالح مردم بیشتر از پاره ای ملاحظات ودوستی ها ارزش دارد

شمس قنات آبادی- نمونه حسن- نیتش اینست که حسن هفت رنك آرسن لوپن را آوردند مدیر کل شهرداری کردند

عبدالصاحب صفائی - آقای- جفرودی اگر کابینه زاهدی بد بود این آقایان وزراء چرا آنجا کار کردند آقای جفرودی شما توهین بوزرا میکنید

رئیس- آقای عبدالصاحب صفائی ساکت باشید آقای مهندس جفرودی وقت شما تمام شد.

جفرودی - اجازه بفرمائید ده دقیقه وقت میخواهم چون مربوط بدولت است اجازه بفرمائید دیگر راجع بدولت گذشته هیچ چیز نیست

عبدالصاحب صفائی - اگر کابینه زاهدی عیب داشت چرا آقایان ماندند و کار کردند چرا توهین می کنید بوزرای فعلی.

جفرودی- اجازه بفرمائید بنده ده دقیقه دیگر وقت میخواهم

رئیس- آقایان توجه کنید آقایانی که پانیج دقیقه ادامهٔ صحبت آقای مهندس جفرودی موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد

مهندس جفرودی - جای کمال تأسف است که ایرانیانی بخاطر منافع از دست رفته خودنام رجال باتقوی وطن- خواه ایران رابزشتی برندو بخواهند، بانطق وبیان آنانرا ازکار برکنار کنند و جامعه راهمچنان اسیر مقاصد پلید بدنامان نگهدارند

هیچ نطق و بیانی، هراندازه که بلطف کلام وزیبائی جملات آراسته باشد قادر نیست که نزد ارباب بصیرت فرشته ای را دیو جلوه کند و دیوی را فرشته سازد. گفتار کسانی که سالها امتحان خود را داده اند

و ازمعمل تصویبنامه ها و اعتبارات محرمانه پاداش خدمت خود را گرفته اند، درنزد ملت ایران بشیزی ارزش ندارد ومردم بخوبی نیك وبد اعمال مدعیان خدمت بمیهن را ازیکدیگر تشخیص میدهند.

اکثر وزرای دولت فعلی از لحاظ امانت ودرستی مورد وثوق جامعه میباشند. بقول یکی ازتیماران محترم، بعضی ازوزراء نجیب تراز آنند که وزیر شوند.

گذشته روشن وپاکدامنی اکثریت اعضای دولت جدید بما این نویدرا میدهد که بساط رشوه خواری و صحنه های تأثر انگیز بی عفتی بتدریج برچیده می شود و وزارتخانه ها ومؤسسات دولتی ازلوث وجود عده ای نایاك منزه میگردد و مردان کاردان ووظیفه شناس جانشین مشتی شیاد وپشت هم اندازخواهند شد.

من نمیدانم، شاوزرای خوشنام دولت جدید تاچه اندازه مصمم هستید که بمملکت خدمت نمائید، زیرا مشکلات بسیاری در راه شما وجود دارد که درراس آنها عدم اطمینان شما از ثبات ودوام اوضاع میباشد، شمامانند هرفرد عاقلی فکرمی کنید که در دوره وزارت چنان کنید که برای روزگار بر کناری ملجاء ومأمنی داشته باشید، شمافکر می کنید مبارزه بافساد بزرگترین مشکل اجتماعی ملت ایران است، هرکس که در گذشته دراین راه گامهای سریعی برداشت حیات خودرا تباه کرد و مقام وموقعیت خودرا بخطر انداخت. شمافکر میکنید که عوامل فساد و رشوه خواری در میان متنفذین اعضاء وهمراهان فراوان دارند که ازهم اکنون دست بدست هم داده نقشه های اصلاحی شمارا عقیم می کنند (قنات آبادی- اینها نقشه ندارند من آنم که رستم جوانمرد بود نقشه شان کجابود؟) و مقام و موقعیت شمارا متزلزل میسازند. شمافکر میکنید که وطن خواهان اسیر وفقیر و خیانت کاران آزادوغنی هستند وبهمین سبب از فردای خود بیمناك میباشید. (عبدالصاحب صفائی- شما توهین باین آقایان میکنید) واما فراموش نکنید که آنچه موجب ارتقاء شما بمقام وزارت ملت ایران شد همانا گفته روشن،

امانت وکاردانی شما است، شمابر سر یك دو راهی تاریخی قراردارید. یااینکه دراین مقام کسوت شرافت را که بتن دارید از آن بور کنید وآنچه مادی خودرا باتحمل ننك بدنامی تأمین نمائید و یاآنکه مدبرانه جهاد کنید و جامعه را از وجود ناپاکان پاك کنید و راه را برای خود و امثال خودهموار سازند.

اگر شما اراده خدمت را ازدست بدهید ودراداره صحیح امور وتصفیه تدریجی ولی کامل دستگاههاسستی نشان دهید بزرگترین ضربت مهلك را برپیکر نحیف جامعه ایرانی زده اید وروزگاررا برطبقه مؤمن و درستکار این کشور تباه کرده اید

از تصفیه دسته جمعی افراد و تظاهر اتخاذ تصمیمات عجولانه پرهیز نمائید. نقص بزرگی که درکارها میبینم نداشتن یك برنامه موزون است چنین بنظر میرسد که هر وزیری، بدون توجه ببرنامه کار وزیر دیگر بدون توجه بهدف مشترك نهائی درحوزه وزارتی خود منحصراً مشغول تصفیه افراد است. وجود افراد ناصالح تنهاعیب بزرك کار نمی باشد، گردش کارها درادارات وتشریفات انجام آنها وطرز تعلیم وتربیت وروش اقتصادی وتأخیر دراجرای برنامه های تولیدی وعمرانی معایب ونواقص بزرگتری بشمار می آیند تکثیر دانشکده های عالی را درمرکز وولایات در شرایط خیلی مفید نمیدانم وادامهٔ تعلیم رابصورت کنونی در کلاسهای ابتدائی ومتوسطه نقص بزرگی میشمارم.

رئیس- آقای مهندس جفرودی وقت شما تمام شد

عبدالصاحب صفائی - ایشان منظورشان توهین بوزراء بود (شمس الدین قنات آبادی - آقایان هم قبول دارند) (عبدالصاحب صفائی- آقای دکتر امینی مقصودشان توهین بشما بود آقای امینی ازماده ۸۷ استفاده بفرمائید)

رئیس- آقای دکتر نیرومند

دکتر نیرومند- چون عجالة برنامهٔ دولت مطرح است و انتخابات هیئت رئیسه هم باید بزودی شروع بشود و مجلس گرفتاری و کار زیاد دارد بنده ازنطق قبل از دستور صرفنظر می کنم. (احسنت)

رئیس- آقای خلعتبری

خلعتبری- بنده مطلبم مطلب سیاسی نیست مطلبی است که مربوط بامور عام المنفعه است اول آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند دولت سابق برنامه اش کم کردن هزینهٔ زندگی بود و ما همه در این قسمت برنامه موافق بودیم ولی دولت خودش بعضی اقدامات می کند که هزینهٔ زندگی را بالا می برد بنده اخیراً بصفحات شمال رفته بودم باین نکته متوجه شدم که مردم امسال مسامی را خیلی گرانتر از سال های دیگر خوردند و علتش اینست که این رود خانه هائی که وزارت دارائی باجاره واگذار میکند مردم روی همچشمی بلند میشوند ورقابت می کنند ودرنتیجه رقابت میزان مال الاجاره یك چیزی که قوت عمومی مردم است بالا میرود رودخانه هائیکه دو سال پیش ۵۰ هزار تومان یا ۹۰ هزار تومان مال الاجاره اش بوده بمناسبت مزایده ای که وزارت دارائی گذاشته تاسیصد هزار تومان هم دادند اجازه صیدماهی دررودخانه ورودرودخانه شهسوار دوبرابر شده است و مردم از اینجهت بسیار ناراضی هستند. از جنابعالی خواهش میکنم که این مسئله را توجه بفرمائید ویك کاری بکنید که هزینه زندگی مردم بدست خود دولت بالا نرود مسأله دوم جناب تیمسار وزیر جنك چیزی که بنده عرض کردم بشماچند روزی مطالبی بعضی ازاشخاص میگفتند و بعضی ها معتقدند که بیدلیل است و آن اینست که اشخاصیکه با دیگران غرض دارند از فرصت استفاده میکنند و آنها را متهم بتوده ای بودن میکنند واوراقی بخانه های آنها میاندازند وراپرت های خلاف واقع میدهند و مأمورین هم دراین مورد آلت دست واقع میشوند من جمله در شهسوار یك مهندس پابازیانی هست که برای کارخانه چای آنجا استخدام شده بود وایفرا بعنوان توده ای بودن ازکار برداشتند وچند روزی هم حبس کردند بعد خود رئیس تیپ بمن گفت که این اتهامات غلط بوده است وخلاف واقع بوده است و او را خلاص کرده اند ولی این شخص در نتیجه این گزارش خلاف واقع مدتی حبس بوده است ومدتی هم بیکار. می خواستم تقاضا کنم که دستور اکید صادر کنید مأمورینی که مشغول رسیدگی هستند حالا که مأمورین انتظامی مخصوصاً آقای سرتیپ بختیار بااین علاقه وبا این جدیت انجام وظیفه میکند دیگر برای اشخاصی که در ولایات وشهرستانها هستند ووسیله دفاع ندارند طوری بشود که یکعده ای مغرض برای آنها پایوش ندوزند این را خیلی مورد توجه قرار بدهید که این قضیه مثل قضیه بابیگری نشود مسأله سوم که میخواستم توضیح بدهم اینست که درزمان دولت اسبق زمان آقای دکتر مصدق در چند روز آخر عده ای از مردم اغفال شدند تحت تأثیر وضع قرار گرفتند نامه هائی نوشتند تلگرافهائی مخابره کردند بنفع تغییر وضع بنفع حکومت آقای دکتر مصدق واین افراد اشخاصی بودند که بهیچوجه در تشکیلات حزب توده نبودند و هیچگونه فعالیتی هم بنفع حزب توده نداشته اند تحت تأثیر وضع قرار گرفتند کاغذهائی وتلگراف هائی امضاء کردند استانداران ها امرای لشگر ها بسیاری از مردم این عمل را کرده اند عرض کنم که اگر خانه ایشان همینطور می ماند میدیدید که چقدر مردم تلگراف تبریك وهمکاری واظهار علاقه واظهار ارادت مخابره کرده اند بنابراین جوانهائی که بی تجربه بودند اشخاص عادی واشخاصیکه فعالیت سیاسی نداشته اند ما بیشتر آنها را می شناسیم که اینها حقیقة اهل اینکار ها نبودند این ها که اغفال شده اند وحالا هم که دوسال گذشته عده زیادی از مسببین واقعه آزاد هستند باید این قضایا فراموش شود من معتقدم که واقعاً و اصلا دیگر پرونده این کاررا بگذارید بسته شود که اشخاصی که تأثیر نداشته اند درکارهای سیاسی بگذارید بروند بی کار وزندگیشان سه چهار نفر رؤساشان را بگیرند وبقیه را ول میکنند اینست که خواهش میکنم که رسیدگی باین موضوع هائی که گذشته است وجزء هوا رفته است خاتمه بدهند که یك عده ای دومرتبه بیخود دچار زحمت نشوند البته آنهائی که در دستجات سیاسی بوده اند وفعالیت داشته اند ومؤثر بوده اند ومانع مردم بودند من راجع بآنها هیچگونه شفاعتی نمیکنم و نکرده ام مسئله سومی که می خواستم عرض کنم و تقریباً یك مسئله شخصی است اینست که یکی ازروز نامه ها روزنامه دنبانوشته است که بنده درروزی که سپهبد زاهدی میرفته است در فرودگاه رفته ام یك صندلی گذاشته ام وروی صندلی سخنرانی کرده ام وتجلیل کرده ام (ارباب- قد شما احتیاج بصندلی ندارد) تمام آقایانی که آن روز در فرودگاه بودند میدانند که بنده در فرودگاه نبودم وواقعاً از لحاظ دوستی هم متأسفم که نتوانستم بروم صبح بنده از ایشان خدا حافظی کردم دیگر لازم ندانستم که بعدازظهر بفرودگاه هم بروم بنابراین چون این بعنوان یك وکیل مجلس است بنده باکمال جرأت هر چه میخواستم از پشت این تریبون میگفتم و باکمال ادب ونزاکت تذکر میدادم ولی یك وکیل مجلس مقتضی شأنش نیست که برود در فرودگاه صندلی بگذارد وآنجا سخنرانی بکند درخصوص سپهبد زاهدی که آن هم بنده که خودم قدم دوزخ است روی صندلی هم بروم میشوم چهار ذرع یك آدم چهار ذرعی را هیچکس در فرودگاه ندیده است وزرا و تیمسارها بوده اند همه بوده اند یك روزنامه باین ترتیب خواسته است که بوکیل مجلس توهین کند بنده این را ازلحاظ خودم نمیگویم این از لحاظ یك وکیل مجلس است که شأنش نیست برودصندلی بگذارد وصحبت بکند وآقایان مطبوعات را متذکر میشوم که بعد از این غرض راکنار بگذارند (احسنت)

۳- بقیه مذاکره در برنامه دولت آقای علاء نخست وزیر

رئیس - وارد دستور میشویم برنامه دولت مطرح است. آقای صارمی

صارمی - وضع امروز مجلس ایجاب کرد که قبل از اینکه بنده بیان مقصود مبادرت کنم یك عرایضی بآقایان نمایندگان محترم عرض بکنم هیچ جای گفتگو و مباحثه نیست که وضع دنیا یکوضع خاصی است و ما بایستی باکمال دقت ومراقبت متوجه اوضاع کشورمان باشیم و از وضع نامطلوبی که در دنیا وجود دارد جدیت بکنیم که استفادهٔ مطلوب رابکنیم واوضاع مملکت را بآرامش وسکوت اداره بکنیم من بنام یك نمایندهٔ کوچك وبنام یك عضو کوچك پارلمان حضور آقایان رفقا عرض میکنم و تقاضا میکنم یکی از محاسنی که دورهٔ ۱۸ مجلس شورای ملی داشته است آن را محفوظ نگاهدارند و آن روح اتحاد واتفاقی بود که بین کلیهٔ آقایان نمایندگان محترم وجود داشت وما بااین اتفاق واتحاد توانستیم کار بکنیم وفکر میکنم خوب هم کار شده است و آنچه لازم بوده است برای یك مملکت خدمت بشود در حدود وظایف نمایندگی انجام یافته است واگر این اتحاد و اتفاق نبود بطور قطع این موفقیت را ما نداشتیم حکومتی بوده است خدماتی هم انجام داده است بدون تردید وجود کامل خدامت هر موجودی نقصی دارد مقتضیات ایجاب کرده است مصالح ایجاب میکند که حکومتی برود وحکومتی بیاید مدتی یك عده ای زمامدار باشند مدتی دیگران اداره بکنند بنابراین تعصب نباید بخرج داد خدا را گواه میگیریم که من قسمی راکه دربشت این تریبون یاد کردم فراموش نمیکنم ومیتوانم باروی بازبگویم که تا وقتی که وظیفه نمایندگی را انجام میدهم ومردم این وظیفهٔ سنگین را بمن محول کرده اند هیچ نظر خاصی نداشته ام و هیچ مستدعیات مخصوصی نداشته و انشاء الله نخواهم داشت وبنا براین عرایضی اگر عرض میشود برای مصالح عالیه کشور خواهد بود وبیش از این دراین موضوع عرضی نمیکنم وامیدوارم که تعصبات را کنار بگذاریم و همه باروح اتحاد واتفاق واجرای منویات ملوکانه که منحصراً فقط برای مصالح وترقی کشور هست اقدام بکنیم وبطور قطع اگر چنانچه این تعصبات را کنار نگذاریم ودودستگی ووضع نا مطلوبی درمجلس وجود داشته باشد یقیناً وبدون هیچگونه شبهه ای در اوضاع کشور ما تأثیر دارد موقع وزمان و موقعیت ایران ایجاب نمیکند که اینگونه تعصبات وجود داشته باشد بنده دردولت

- متن موافق مشروطاً مع نوشته‌ها (نورالدین امامی - شرطش چیست؟) عرض می کنم موافقم ازاین نقطه نظر که بطور کلی میبینم که صورت هیئت دولت و کابینه ای که تشکیل یافته است از مردمان بسیار صالح وخوشنام کشور است (صحیح است) ومیتوانم عرض بکنم ازوقایع شهریورماه باینطرف کمتردولتی تشکیل شده است که تمام وزرای آن مردمان خوش نامی باشند وحتی دراین مملکتی که خدمت کردن بمردم و انجام وظیفه کردن لازمه آن لجن مال شدن هست وشاید عدهٔ زیادی که اغراض شخصی آنها انجام نمی یابد یا هوی وهوس آنها تأمین نمیشود در مقام این خواهند بود که بجای عدم انجام مقاصدخاصه شان اشخاص رالجن مال کنندویکی ازبدبختیهای این مملکت واینکه اشخاص صالح کمتر شرکت میکنند درانجام کاروکار مثبت انجام نمیدهند وحتی منفی بافی در این مملکت وجود دارد همین قضیه ایست که بوجود آمده است که اشخاص خدمتگزارلجن مال میشوندبا وجوداین می بینم که دولت حاضر اشخاصی هستند که بحسن شهرت معروفیت کامل دارند و یکی از علل موفقیت هم حقیقة نداشتن غرض خاص وسوءنظر و استفاده جوئی کردن است که این مزایا روبهمرفته دراین آقایان جمع است بدین مناسبت دولتی است که قابل اعتمادخواهد بود وامید وارهستم که انشاءالله موفقیت پیدا بکند که خدماتی که منظورنظرهست دردورهٔ زمامداری خودشان انجام بدهند (انشاءاله) همینطور که عرض کردم روی همرفته درصندلیهای مقدم مجلس نگاه که میکنم افرادی هستند که سوابق خدمت داشته اند وهمیشه درزمانهائی که متصدی قسمت هائی بوده اند درزمان تصدیشان خدماتی را انجام داده اند وعدم رضایتی ازکارآنها وجود نداشته است امید وارم این موضوع هم مورد نظر واقع بشود همانطور (دکتر وکیل - شرطش توجه بولایات است) امید وارم اینهم مورد توجه واقع شود وهمینطور که حضرتعالی میفرمائید آقای دکتروکیل ظلم و تعدی که نسبت بولایات شده است رفع بشود و بطورقطع دولت بایددرنظر بگیرد که دولت حکومت ایرانرا تشکیل میدهد نه حکومت تهران را واگر بخواهد تمام نقاط مملکت بالسویه از آبادی وعمران بهرمند شوند قطعاً ایران آبادی بوجود خواهد آمد و الا سعی کردن باینکه یك نقطه ای را آباد کردن و سایر نقاط را خراب کردن نتیجه مطلوب ندارد (ارباب راجع بیندر عباس بفرمائید) جنابعالی که غیرازبندرعباس جای دیگررانمیفرمائید امیدوارم هرچه قدر صحبت میکنندموفق باشید بنا براین باوجود امنیت و آرامشی که امروز در مملکت حکمفرماست بنده خیال میکنم محیط مساعدی برای انجام کاروجود داشته باشد اینکه عرض کردم موافق مشروط هستم شرطی که میخواهم عرض کنم اینست و یقین دارم که دولت حاضر مورد توجه قرار خواهد داد بنده خیال میکنم که توجه بامور اقتصادی هر مملکت اهم وظیفه هر دولتی است وبدون تردید اگرما استقلال سیاسی میخواهیم بایستی استقلال اقتصادی داشته باشیم ودیدمایم ما که دول کمونیست اگر خواستند در مملکت رخنه‌ای پیدا بکنند اخلال در امور اقتصادی را ایجاد میکنند دول مستعمره طلب اینها هم موفق خواستند مملکتی را تحت اختیار و اطاعت و انقیاد بگیرند توسل بحربه اقتصادی پیدا میکنند و سعی میکنند که مملکت راهمیشه درحال فقر و فاقه اقتصادی بگذارند تااینکه بتوانند سلطه خودشان را بر آن مملکت برقرار بکنند متأسفانه بایستی عرض کنم که از بعدازوقایع شهریوراین موضوع اقتصادی آنطوریکه لازم بوده است مورد توجه واقع نشده است وبانهایت تأسف باید گفت کما بجای جلب سرمایه و اعتماد موجبات فرار سرمایه را از این مملکت فراهم می کنیم (صحیح است) جناب آقای دکترامینی یکی از مشکلاتی که درمملکت ما داشتیم موضوع نفت بوضوع نفت بود همیشه هم هم وقتی مذاکره میکردم میگفتیم از لحاظ اقتصادی حل موضوع نفت بسیار لازم است و مساعدت و کمك اقتصادی بما خواهد شد که در سال اول بیش ازسی میلیون لیره درآمد خواهد داشت بنده بسیار متأسف هستم بگویم دراثر عدم توجه در ظرف مدت یکماه اخیر یك ثلث از این سرمایه‌ای که دراطرافش اینقدرصحبت و مذاکره می کردیم و موجبات رفاه و آسایش مملکت و ملت راتحصیل این درآمدمیدانستیم ومنابع تحت الارضی مربوط بگذشته و نسل آتیه را استفاده میکنیم معذلك کله یك ثلث از کل این درآمد را درظرف یکماه شاید از مملکت خارج کردیم بطور قطع ویقین درحدودصد میلیون تومان بطوریکه گفته میشود درظرف یکماه اخیرمخارج اشخاصی است که باعتاب مقدسه در ماه فروردین مسافرت کرده اند وبنام زیارت رفته اند اگرفریضه مذهبی باشدهیچ مقام و مرجعی نمیتواند جلوی این امررابگیرد کسی قدرت ندارد ونبایستی تصور کند که جلوگیری از اعمال حج بکند ازلحاظ وجوبی که دارد ولی اگر فریضه مذهبی نباشد بایستی ازبرای این حدودی قائل شدبنده در این موضوع بیشتر توضیح عرض نمیکنم ولی واقعاً خارج شدن سرمایه باین گرانی از مملکت موجب فقر و فاقه و در وضع اقتصادی مملکت تأثیر تام و تمام دارد (خرازی - آقای صارمی متقابلا ازعراق هم میآیند) اجازه بفرمائید آقای خرازی من عرایضم رابکنم متأسفانه آقای خرازی یکی از موضوعاتی که باز توجه نداریم موضوع جلب سرمایه های خارجی است که باین موضوع توجه نداریم بعضی موضوع خاصی است که هیچ وقت نمی کنیم اگر باید این کار انجام بگیرد جدیت بکنیم که متقابلا این سرمایه را بمملکت بیاوریم و جلب بکنیم (خرازی - میآیند عراقی ها) عده بسیار محدودی درصورتیکه اگر ما توجه بکنیم میتوانیم سرمایه قابل توجهی از این راه به این مملکت جلب بکنیم بدون گفتگوازجمله مواردی را که بنده میخواستم آقای خرازی عرض بکنم همین است که ممالك مجاور ما که نظر آب وهوا برای رفع خستگی وفرسودگی الزام دارند که ایام تابستان برادر نقطهٔ خوش آب و هوائی بگذرانند یکی از آن نقاط کشور ایران خواهد بود ولی چون وسایل تسهیلات نیست آنطوریکه ممالك خارج برای جلب مسافر اقدامات جدی ونافع می کنند ما انجام نمیدهیم (صحیح است) که ازاین موضوع بهتر ازاین برخوردار بشویم بسیاری ازاوقات گفته میشود که اگردر کرند کرمانشاه یك مهمانخانه مناسبی ساخته شود این مهمانخانه متناسب میتواند درسال مبالغ متنابهی سرمایه باین مملکت جلب کند (خرازی - اعلیحضرت فقید مقدماتش راتهیه کرده بود) ولی متأسفانه نه تنها مقدمات فراهم نشده را از دست دادیم بلکه بفکر هم نیفتادیم که اقدامی دراین موضوع بکنیم برای جلب سرمایه بمملکت مطالعه لازم دارد وسائلی می خواهد بنده معتقدم حقیقة یك هیئت مطلعی بایستی در دولت تشکیل پیدا بکند ومطالعه بکند که وسایل جلب سرمایه باین مملکت چیست (ارباب - امنیت) یکی ازموضوعات جناب آقای ارباب امنیت است که حالا بحمدالله وجود دارد وامیدوارم علل دیگرهم باشد من جلب سرمایهٔ مختلفه راعرض میکنم گفته میشد باینکه یك وقتی حاضر بود شرکت نفت آرامکو شرکت نفت عربستان سعودی یکی از اقلام احتیاجات خودش که معادل ده میلیون دولار تخم مرغ باشد ازاین مملکت خریداری کند و حاضر بود قراردادی منعقد بکند درست است که میزان زیاد بود ولی اگر چنانچه مردمانی بودند که جلب منافع رابرای مملکت در نظر داشتند بایستی وسایل اینکاررافراهم کرده بودند درهر حال یکی از موادی که دربرنامهٔ دولت ذکرشده است مبارزه بافساد است جناب آقای دکتر امینی بنده میخواهم بگویم یکی از علل ایجاد فساد دراین مملکت نواقص تشکیلات وسازمان مملکت است این تشریفات زائد و بطوء جریان بتصور اینکه ممکن است اگرچنانچه هدیه و تعارف یا رشوه‌ای بدهند کارش زودتر انجام میگیرد ملزم میکند هدایت میکند رهبری بفساد میکند بایستی همراه مبارزه بافساد سعی کرد تشکیلات وسازمان بسیار مناسب در خود وضع مملکت بوجود بیاید (صحیح است) والا اشخاص صالحی را هم اگر ما در رأس کار بگذاریم واین تشکیلات وجود داشته باشد بهیچوجه نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد وممکن است موجبات زحمت زیادتری هم فراهم بشود بنابراین همراه مبارزه با فساد بایستی بطور قطع ویقین در نظر گرفته شود که سازمان وتشکیلات کشور اصلاح بشود وامیدوارم که همینطور که منظور نظر هست این مبارزه بافساد چنانکه در گذشته گفته شده است وکاری انجام نیافته است دردولت حاضر تا جدی عملی بشود (انشاءاله) وحرف بیان و صحبت نباشد (کاشانی - انشاءاله این آرزوی همه است) آرزوی همه است وبایستی انجام بگیرد ومن تقاضایم اینست که بعنوان مبارزه بافساد نقل و انتقال نباشد حقیقة افراد باسابقه‌ای مشغول مکیدن خون افراد این ملت هستند وصحیح که از تختخواب خودشان بیرون میآیند بقصد اینکه استفادهٔ نامشروع بکنند برمی خیزند اگر دولت حاضر موفق بشود دست آنهارا ازاین مملکت کوتاه بکند بنده البته صددرصد نمیگویم توفیق حاصل خواهند کرد تمام دزدان وافراد ناصالح را دستشان راقطع کنند ولی هرچند که موفق بشوند اگر چه بیست نفر ده نفر صد نفر هم باشند بطور قطع ویقین نتیجه خواهد داشت و موجب امیدواری خواهد بود بایستی عرض کنم که آقایان باین خوشنامی خودتان مغرور نباشید اگر چنانکه دراین کابینه برنامه‌ای که تنظیم گردید موفق نشوید انجام بدهید موجب یأس زیادی رابرای افراد این مملکت فراهم میکنید (کاملا صحیح است) بدلیل اینکه می بینند که شما مردمان صالحی هستید مردمان مثبتی هستید می خواهید کار کنید وحسن نیت دارید اگر نتوانستید کار کنید یك یأس وحرمان بسیار شدیدی برای مردم بوجود میآید و بزرگترین بدبختی برای یك ملت وجود یأس و حرمان است (صحیح است) جدیت بفرمائید که انشاءالله یأس وحرمان برای این مملکت بوجود نیاید وراجع بیرنامهٔ دولت مذاکره شد بنده خیلی خوشوقت هستم که دربرنامه تذکرداده شده است که قسمتی ازاعمال وبرنامهٔ دولت تعقیب عملیات دولت گذشته است از این جهت خوشوقت هستم که اولین مرتبه در زندگی می بینیم که دولتی درمملکت بوجود آمده است که تعقیب عملیات گذشته را می خواهد ادامه بدهد درصورتیکه عادت ما براین شده است که هردولتی که آمده است گفته است گذشته بسیار فاسد بوده است بسیار بدبوده است عملی انجام نداده اند هر چه کرده اند برخلاف مصالح مملکت بوده است ولی حالا برای اولین دفعه

می بینیم که دولتی درمملکت بوجود آمده است که تاحدی برنامهٔ خودش را اجرای برنامهٔ گذشته میداند این روح انصاف ولزوم ادامهٔ عملیات گذشته درممالك خارجی وجود دارد وحتی حکومت هائی که حکومت حزبی هستند ودرحزب مخالف واقع شده اند وقتی حکومت ازخودشان تشکیل میدهند اگردیدند حزب مخالف عمل گذشته اش صحیح ومثبت بوده است آن را تأییدمیکنند ازاین جهت بنده بخصوص بسیارخوشوقت هستم وحقیقة همینطور که تذکرداده شده است درمبارزه با اخلال گران و ایجاد امنیت امیدوارم توفیق زیادی پیدابشود وچیزی که موجب افتخار دولت گذشته بوده است برای دولت فعلی هم محفوظ ومصون بماند وبیشتر هم تأیید بشود موضوع قابل توجهی که وجود دارد وبسیارضرورت خواهدداشت بنده خیال میکنم همانطوری که درحکومت گذشته انجام یافته است آقای دکتر امینی لایحه ای را تقدیم کردند که لایحهٔ جلب سرمایهٔ خارجی است بمملکت، که امیدوارم انشاءالله این لایحه زود تر از مجلس بگذرد ومورد استفاده واقع بشود وضمناً جناب آقای دکترامینی هم توجه بکنند که این لایحه تنها لایحهٔ قانونی نباشد لایحهٔ جلب سرمایه های خارجی را عرض میکنم وسایل اینکار فراهم بشود بعبارت ساده تنها تنظیم یك لایحه نتیجه نخواهد داشت بایدسعی کنیم امنیت اجتماعی وقضائی دراین مملکت بوجود بیایدتا بحال نسبت باین امرتوجه کافی نشده است دستگاه قضائی کشورکه بنده خودم هم مدتی افتخار عضویت آنرا داشتم وهنوزهم معتقدهستم که این دستگاه درمقام مقایسه بادستگاههای دیگردولت خوبتروبهترهست و اشخاص صالحتری در آن انجام وظیفه میکنند بایستی تقویت بشود و اصلاحات فوری در آن بعمل بیایدتااینکه حقیقة یك امنیت اجتماعی تام وتمامی در مملکت موجود باشد تا ما موفق بشویم درسایهٔ آن ازجلب سرمایه های خارجی متمتع ومستفیدبشویم موردیگری که بنده اینجا میخواهم عرض بکنم وجناب آقای وزیر امورخارجه هم تشریف دارند استدعای توجه بخصوص بنمایندگی های سیاسی درخارجه خواهد بود که این افراد واقعاً موجبات افتخار مملکت را فراهم کنند بیش از این باین قسمت تذکرنمی دهم و امیدوارم خود جناب آقای وزیر امور خارجه توجه کامل نسبت باین قسمت داشته باشند امر دیگری که خیال میکنم دولت حاضر ضرورت دارد فوق العاده بآن توجه بکند نسبت بکمکهای اقتصادی است که ازاصل ۴ ترومن یااداره همکاریها خواهد شد قبلا لازم میدانم برای اینکه عرایض بعدی خودم را بتوانم بکنم بنام یك فرد ایرانی یا یك نماینده مجلس از کمکهای دولت آمریکا نسبت به این مملکت اظهار قدردانی وتشکر بکنم ولی کمکهائی که بعنوان اصل ۴ ترومن یا با تغییر اسم اداره همکاری در ایران شده است خوب بمصرف نرسیده است وخوب خرج نشده است قسمت لعظم این بودجه که بعنوان کمك ومساعدت بمملکت ایران بعنوان کمك ومساعدت بممالك عقب افتاده است صرف هزینه‌های غیرلازم ازقبیل پرداخت کرایه خانه های بسیار زیاد شده است و حتی استخدام اعضای غیرلازم بنده میبینم ادارهٔ آمار عمومی تشکیل پیدا می کند ماهی چهار پنجهزار تومان کرایه خانه داده میشود مستخدم بسیار زیاد آن جا استخدام میشود خیال میکنم بایستی در نظر گرفته شود که یك مملکت فقیری که محتاج این تشریفات و تشکیلات زائد نیست اگرمیخواهند کمك بکنند باگرفتن چند اطاق در ادارهٔ آمار ممکن است از پرداخت چهارپنج هزار تومان مال الاجاره صرفنظر بکنند وبجای آن مخارج بسیار ضروری که درا وضاع اقتصادی و اجتماعی مملکت تأثیر دارد توجه بآن قسمت پیدا بکنند و آن مخارج غیر لازم را برای مخارج ضروری مصرف کنند بسیارممکن بود بااین سرمایه‌ای که در این مملکت خرج میکنند وبمصرف میرسانند اقدامات بزرگی انجام بشود وچون دولت درتعیین برنامه ها وهزینه این قسمت شرکت دارد بطور قطع و یقین بایستی گفت که در گذشته مسامحه وتعلل شده است وازاین ببعدبایستی درنظر گرفته شود که از خارج زائد جلوگیری بشود ودرنظر بگیرند که اگرآن طوری که در روزنامه ها نوشته شده است برای یکی دو سال دیگر تصمیم گرفته بشود که از این کمکها انصراف حاصل بکنند وقطعاً هم انصراف حاصل خواهند کرد آن وقت یك عده مستخدم غیرلازمی که اصل چهار ترومن یا ادارهٔ همکاری استخدام کرده است باز تحمیل بما میشود وموجب میگردد بر مستخدمین فعلی این مملکت اضافه شود بااین تفاوت که مستخدم فعلی با ۱۵۰ تومان حقوق هست و آن ها توقع خواهند داشت که با ۱۵۰۰ تومان حقوق ویك اتومبیل وآن وضع به بودجهٔ مملکت تحمیل بشوند بایستی درمرحلهٔ اول صورت گرفته شود وهمان طور که عرض شد ازپرداخت کرایه خانه وپرداخت مخارج تشریفاتی خودداری شود از استخدامهای بیخود و غیر لازم جلوگیری بشود و پروژه های اصلاحی دقیق تنظیم بشود که باوضاع اقتصادی و اجتماعی وازدیاد تولید مملکت کمك بکند در این قسمت شاید تذکرات خیلی زیادی مورد لزوم است ولازم هم خواهد بود که گفته بشود ولی بنده خودداری میکنم وامیدوارم که هیئت دولت جدید کاملا باین عرض بنده اگرچه بنام اشاره و کنایه گفته شد توجه بفرمایند وطوری بکنند که این مملکت ازاین جهت مخصوص خالا که کمکی میشود منتفع بشود بنده یادداشت هائی راجع به برنامه دولت و خود دولت کرده بودم ولی معتقدهستم باینکه سخن را بایستی کوتاه کرد تا هرچه زود تر مجلس تکلیف دولت را معین کند ودولت موفق بشود در اجرای برنامه اصلاحی خودش اقدام بکند باینجهت ازعرض زیادتر خودداری میکنم

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم رب اشرح لی صدری ویسرلی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی.

باکمال ثانی با چند مقدمه که آن مقدمات از نظر توجه نمایندگان محترم ووکلای محترم که شاید بفردفرد این آقایان هریك باخصوصیت دارم یاارادت دارم یارفاقت دارم چون تمام این لغات مراحل مختلفی دارد این تذکرات را باید مقدمهٔ عرض بکنم بعد وارد اینکه چرا آن روز عرض کردم که آقای دکتر عبدالبین جا تشریف داشتند بعدآمدند باین صحبت کردند که واردیك مبحث علمی بزرگی شدیم که آن قسمت امرو نهی است که خدا رحمت کند مرحوم استاد بزرگوار آقای میرزا محمد آقازاده خراسانی را هیچوقت فراموش نمیکنم وقتی که در این مبحث درس میگفت در مشهد مقدس و من بااینکه تغییرلباس داده بودم و لباسم تغییر کرده بود گاهی بصور مختلف میرفتم متمتع میشدم مستفیض میشدم استفاده میکردم در امر شیئی ونهی ازضد که آن باب مفصل است در کتاب کفایه مرحوم آخوند خراسانی قدس الله سره ونورالله مضجعه من آنروز وارد یك مبحث علمی شدم وامروز ناچارم که ادامه بدهم مقدمهٔ عرض کنم بنده همه آقایان میدانند عادت ندارم لباس دورنگی بپوشم یك روز یك لباس روزدیگر یك لباس برهانش هم اینست که من بعد ازچهل وچند سال پشت این میز، آقای ارباب مهدی استدعا دارم ازدمتند شما هستم من زحمت علمی میکشم وحرف میزنم (ارباب - من برای استماع فرمایشات شما آمدم اینجا شستم) استدعا میکنم معذرت می خواهم بوزش میطلبم تمنا میکنم اجازه بفرمائید که خدمتگزارشما سید اولاد پیغمبر باموی سفید که یك عمر خدمت کرده باین مملکت یك خانه ویك لانه پیدانکرده بنشینند اجازه بفرمائید، مقدمهٔ عرض میکنم که من هیچ لباس عوض نکرده ام پس ازچهل و چندسال پشت این میز باکمال شهامت گفتم مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری را اجنبی بدارزد نه ملت این مال منست که گفتم اگردیگری میگفت میگفتند حمایت ازیك مستبدی کرد من میگویم لباس هم عوض نمیکنم این معتدی بااین آقای انتظام یاآن آقایان رفیق عزیزم که بعض بنده اوادت دارم آقای سید هدایت هیچوقت نمیتوانند بگویند نسبت بدهند که من درعمرم یك درخواست غیر مشروع کردم یا وارد این مراحل شده ام این آقای معتمدی در خراسان بوده است این آقای علم میداند وکلای خراسان می دانند بزرگترین اصلاحات خراسان بدست من شده فلکه باز کردم، بیمارستان را من ساختم آب راخدا شاهد است بثامن الحجج من آوردم از گناباد بامقصد تومان ازپول زوار اول اینکار را من کردم ولی در تمام این مدت که آقای معتمدی آنجاتشریف دارند من اینهمه انفاذ کلمه درخراسان دارم هیچ درتمام این مدت یك توصیه نکرده ام اهل این کارهاهم نیستم، دردوره ۱۶ وقتی وکیل شدم اول یك بخشنامه‌ای برداشتم خودم درست کردم نوشتم بتمام وزارتخانها وموجوداست که وزرای محترم من برخلاف عادت، نمیدانم روش سیاسی است نمیدانم، مکتب شوشتریست نمیدانم، من معتقد نیستم هیچ نماینده‌ای در تعیین مأمورین حوزه انتخابیه خودش اظهار نظر کند، چرا؟ برای اینکه وقتی مأمور منکی شد بوکیل آنوقت اطاعت امر وزارتخانه نمیکند ومفهوم مسئولیت لوث میشود. فقط وکیل این حق را دارد که بوزرا بگوید، عرض کند، اظهار کند، درخواست کند مأمورینی که درحوزهٔ انتخابی من میفرستند مأمور صحیح العمل باشد، اگرخوب شد گور ازخدا چه میخواهد؟ دوچشم بینا و اگر بد شد جای اعتراض برای او باشد پس من اینطورهستم و تغییرلباس نمیدهم، من با سیهبدزاهدی، اینکه اسم میبرم برای اینکه باینموضوع خاتمه بدهم من باسیهبدزاهدی آن اندازه هادوست نبودم ولی اگر کسی، این نکات خساس رادارم مینویسم تاریخ را آن شبهائی که درروز سی ام مرداد ما باید سحر چهل نفر بنام خائنین بایران بدار آویخته شده باشیم و بعد بتمام چوبهای چراغهای ایران وتهران ثروتمندان، تجار، متمکنین آویخته شده باشند، قطع داشتم یکساعت بظهر مانده آقای مصدق را آویخته میکردند وماخدای نخواسته میرفتیم آنجائی که همه میدانیم ولی در آن روزهای حساس وقتی یکمردی سینه اش راسپر کرد وبفرمان مبارك شاهنشاهی که مابابیعت کرده ایم و من بیعت شکن نیستیم، آمدروی کار و با همان پیراهنی که روزی که آمد سرکار با همان لباس سوارشدورفت مملکت درحین عمل، در جریان عمل، درمشی سیاسی، در طریق خدمتگزاری این توافق پیدا کرد با فکرمن، موضوع حل نفت بود، امنیت سرتا سرمملکت بود، حسن روابط بودبادیگران باز کردن روابط بود، البته نقائصی هم هست هیچ عاقلی نمیتواند مدعی شود که من عاری از تمام معایب ونقائصم ومنم کمنم که طلوس علیهم وباین صورت درآمده ام، هیچکس

منهم ادعائی نمیکنم ، درهرتحولی هم بدوا یك چیزهائی میشود . من میخواهم باین موضوع خاتمه‌بدهم کمن بااو دوست‌بودم دوست هستم دوست خواهم بود ، چرا ؟ برای اینکه در ختام خدمتگزاری بفرمان مبارك شاهنشاه تقدیرشده است پس آنهم پرونده‌ای دارد وآنهم دفترش بسته‌شده و زفته ، یك‌پرونده‌جداگانه‌ای داردما دیگر چرا وارد آن مرحله شویم ؟ از اینجهت استدعا دارم ازآقایان‌عادت نکنندبنشینند بکسی اشاره نمیکنم که تاکسی حکومتی سرکاراست باواحترام داشته باشند و وقتی که کسی کناررفت و باو لگد بزنند این ازجوانمردی ایرانیها خارج‌است بایدعیب را درهرجاهدید ، دژدردرهرجابود متخلف، منافق ، آنانکه دستشان با دست دیگران توأم‌است هرجا پیدا کرد انگشت را بلند کرد وگذاشت آنجا وگفت این آقا دزد است ، این آقا رشوه خورده ، اتن آقا سیمان خورده این آقا پروانه گرفته این آقا برنج خورده این آقا نمیدانم چای گرفته ، این را باید انگشت گذاشت رویش اجازه بدهید این یك موضوع اصولی‌است‌روی‌اصول‌عرض‌میکنم، این‌یك‌موضوع ، موضوع‌دیگری که‌میخواهم عرض کنم مربوط‌بمذاکرات مجلس‌است و ازمقام‌محترم‌ریاست عزیز ، استدعا دارم ، این اصل ۱۳ قانون‌اساسی است که‌میخواهم این اصل ۱۳ قانون‌اساسی راما که‌میگوئیم میخواهیم بافسادمبارزه کنیم ، این فساد ، اصلاح معنیش اینست ، تمنی میکنم از مخبرین محترم جراید و آن مخبری که اداره تبلیغات دارد چون من نطق آقای شمس‌قنات‌آبادی رابا‌آن‌بلاغت که بایشان عرض کردم طیب‌الله‌انفاسکم ، آن‌نطق با آن بلاغت رابصورتی در اداره رادیو در آوردند که‌زعفرجنی‌هم ازآن‌سر درنیاورد وهمینطور نطق جناب‌آقای رضا افشار یا چاکرو فدوی‌وخدمتگزارتان را این‌برای مملکت برای آزادی مملکت ، برای‌حفظ احترام پارلمان ومجلس‌شورایملی ، برای درس بعدیها بحساب‌مضراست . . .

قنات آبادی - آقای شوشتری روزنامه اطلاعات هم که‌طرفدارآنها بوده همین‌نطق رابهمان‌صورت که‌زعفرجنی‌هم چیزی نمیفهمید درآورده‌است .

شوشتری - . . . اصل‌سیزدهم - مذاکرات‌مجلس‌شورایملی‌ازبرای آنکه‌نتیجه آنها بموقع‌اجرا گذارده‌تواندشدباید علنی باشد ، روزنامه نویس‌و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق‌حضور و استماع دارند بدون‌اینکه حق‌نطق‌داشته باشند . تمام مذاکرات مجلس‌را روزنامه جات‌میتوانند بطبع‌برسانند بدون‌انحراف و تغییر معنی‌تامامه‌نامی از مباحث‌مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس سلاح انه‌یش در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تاهیچ امری از امور در پرده‌وبر هیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامجات مادامی که‌مندرجات آنها مخل اصلی ازاصول اساسیه دولت وملت نباشد مجاز ومختارند که مطالب مفیدمهام‌السلفه راهمچنان مذاکرات‌مجلس وصلاح اندیشی خلق‌را درآن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند واگر کسی در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکرشده و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت وافترا بزند قانونا مورد استنطاق ومحاکمه و مجازات خواهدشد. (سهرابیان - اسم رادیورا نبرده است‌در قانون) آنروز اداره رادیو نبوده آن روز رادیو درقانون نبوده

رئیس - آقای سهرابیان شما هم مزاح میکنید

عبدالصاحب‌صفائی - اصلاین اصل‌لغوشده است

شوشتری - اداره‌رادیو اداره‌ایست که منتسب‌بدولتست مادر دوره ۱۶ بعداز آنی که بآن مصیبتها دچار شدیم ، بعداز آنی که آنهمه صدمه خوردیم، بعداز آنی که وکلای شجاع اقلیت دوره ۱۶ به حمایت از مدیران جراید متعهش شدندو اقلیت محترم دوره۱۷ همان روش‌پسندیده را با کمال شهامت‌ومردانگی تعقیب کردند مامتوسل شدیم بمقام محترم رئیسمان و عرض کردیم آقای رئیس ماکه می‌آئیم جان می کنیم نفس‌میکشیم ، سیاست‌مرموز دویست ساله که دربرنامه منصورالملك ، ببخشید آقای منصورالملك ، من بی‌ادب صحبت نمیکنم ، جناب آقای‌منصورالملك دوساعت و۱۸ دقیقه صحبت کرده بودم وسیاست مرموز دویست ساله را تشریح کردم ووقتی که رسیدم بقضیه سفرفارس ورفتن به‌تخت جمشید وپیداشدن آن کتیبه یعنی درنقش‌رستم آن‌بنائی که‌در آن‌تاریخ بناشده و مشابهت باگفته موحدین داردو میرساند ازنظر علمی که در ۲۹۰۰ سال قبل ایرانی مقدس موحد بوده و میگفته لااله‌الاالله‌وقتی تشریح کردم در اینجاوزراء گریه کردند ،روزنامه‌نگاران گریه کردند خود گریه کردم که‌آن ایرانی ناعظمت آن ایرانی آقاچه شدآن سرچشمه علم‌و آن منبع‌فیضی که ایرانی دارد باداشتن تمام‌منابع تحت‌الارضی‌و حقایق‌سرمایه‌هائی که بشرازاو میتواند متمتع بشودمادرفقرو مسکنت‌وبیچارگی و بدبختی وبرهنگی و خوردن هسته‌خرما وپوشیدن و گرفتن‌یك لیف‌خرمابرای ستر‌عورت آیاسزاواراست کماما آقای روی زمین بودیم ، مادر دنیا آنهمه زحمت کشیدیم ماتمام مؤلفات را تهیه کردیم ، اغلب زعما ورؤسا و مؤلفین و نویسندگان آنها مینویسند که ایرانی‌با شهامت ، باعزت‌بوده آنوقت باید ماباین صورت دربیائیم(کی‌نژاد - ازمشرف‌نفیسی بپرسید این عمل را) ببخشید آقایندهاسم اکسی را نمیبرم حاضرهم بستم باهدی توهین بکنم خدا مرانامرزد اگر بخواهم بیك ایرانی توهین بکنم، میگویم آقا این‌بدکرده بیاید درمجلس شورای ملی پشت این تریبون بگوید من بدکردم توبه کردم من‌بناسی‌از احکام جدبزرگوارم و دستورالهی که فرمود التائب من‌الذنب کمن لاذنب‌له آنکه توبه‌کرد گفت من توبه کردم وبد کردم درراه دین مقدس فخر بشراین رادیگر ول‌میکنم من‌آن‌جور حرفها اصلابلد نیستم در فاموسم این‌جور حرفها راندارد ، بنده وقتی که این‌حرفها رازدم عرض کردم که ما دچار سیاست مرموزیم ، مادچار سیاست مرموزیم ، ما دچار سیاست مرموزیم، چه‌جورسیاستی که وقتی پای این‌آمد دربین که بیایندازما نفت بگیرند وبیاید تعدیل بشود ، خوب زمان مرحوم مظفرالدینشاه که خدااو را رحمت کند ، خدا هرایرانی که فوت‌شده اورا بجوار رحمت خودجای بدهد وآن هائی که زنده هستند آنهارا موفق‌بدارد وآنهائی که درراه کج‌میروندآنهارا هم خودش هدایت بفرماید . می‌آیند آنجا درخواستی میکنند ایرانی بدبخت خیال میکند درباغ سبزی برایش بازشده‌شروع میکند باحسن‌استقبال میرودجلوولی‌سیاست مرموز معجزه‌سخاوتمندانه درست‌میکندسخاخانه چیست ؟ خشت وگل . اسلام بزرگتراز این حرفهاولاطائلات است آنوقت‌می‌آید معجزه درست میکند ، آن پرونده را من‌خواندم ، من رویش‌نظر دادم ، نامعجزه کورشفا یافته ، شل شفا یافته ، افلیج این‌جوری شده ، اینطور شده، این طور شده ، تااینجوری کشته می‌شود ، درخواست نفت فرار میکند ، سیاست‌مرموز این سیاست مرموز است ، این سیاست مرموز همین است ، آنروز واردایران‌مرحله شدم وحرف زدم‌دوساعت‌و۱۸ دقیقه‌حرف زدم وبعدآن‌سیاست‌مرموز را تشریح کردم وقتی که تشریح کردم ازسه‌چهار روز بعد دچار شدم بحملات عجیبی ، چه جور حملاتی ؟ آن حملات بطرزی شد که اقلیت دوره ۱۶ تشکیل‌شد و من چون مسبوق بسوابق‌بودم ازدوره‌پنجم که‌نماینده مجلس‌شورای‌ملی بودم وازآغازمشروطیت مهاجرت بحضرت عبدالعظیم کرده بودم ودراختلافی که بین‌ما پیداشدتا گفتم که درآن راه گلوله خوردم و۱۸۰۰ چوب خوردم ، در کلات نادری محبوس شدم ، آنهمه صدمه خوردم و خوردم و خوردم همه‌را میگویم ازسیاست مرموزاست،ناچار شدم نفس خودرا فدا کنم ، یك‌تنه‌بمیدان آمدم ، چشم خارج نمیشوم ، داخل میشوم عرض‌میکنم که وارد شدیم شروع کردیم بزحمت کشیدن ، رنج بردن ، آنقدر ، تاریخچه نمیخواهم بگویم یك شبی‌ازشبها جناب آقای انتظام آقایان وزرا یك‌شبی ۲۲ نفر از نمایندگان اقلیت با مشورت روزنامه‌نگاران ویك یازده‌نفر یادوازده‌نفر مابرك عدم اعتماد بکابینه آقای مصدق نوشتیم آنشب نوشتیم ، برك استیضاح هم نوشتیم ونباید که فردا پس‌فردا بمجلس بدهیم ساعت ۹ رادیو لندن صداکرد ، درست دقت کنید ، آقایان تماشاچیها گوش کنید برای‌ملت‌ایران میگویم‌ساعت ۹شب صدا کرد گفت ما دوستان‌وفاداری درمجلس شورای‌ملی داریم که‌این‌دوستان برك عدم اعتمادواستیضاح حاضر کرده‌اند واولین جلسه تقدیم مجلس میکنند آقایان فکر کنید بسرماچه آمد ، اگر بیائیم این برك را بدهیم دیگرهمه مردم میگویند خودرادیو لندن گفت اینهاتوچه استوکس هستند واگر ندهیم چه‌کنیم ، موسل‌شدیم بذیل عنایت رئیسمان گفتیم برای رضای خدا رادیو رااصلاح کن بگذار بلندگو بمجلس متصل شود تاحرفهای ماراگر نا حسابی میزنیم برطبق اصل ۱۳ قانون اساسی‌ملت ایران بشنودوقضاوت کندومارا سنگسار کنندواگر حقیقت میگوئیم‌وپرده عجیبی دارد بالازده میشود ،این شالوده بعد از شهریور برعلیه سلطنت ریخته‌شده من مدانم اداه دارم سند دارم بگذارید مردم بفهمند برای اینکه بدون لوای سلطنت وپادشاهی نمیتواند استقلال خود را حفظ کند روی‌اغراض‌یك‌فرد مغرض یك‌غیر موحدیك کسی که‌درتزش‌تمام‌احکام اسلام را تخطئه کرده‌این روی‌غرض‌شخصی که چنین‌شده‌وقوم‌وخویشهایش چکار کرده اندومعجزه ازخانه آنها بیرون آمده‌است نگاه کنید آن انگشترها وگوشواره‌ها را برای معجزه‌شده‌ها ازچه‌خانه‌هائی‌بیرون می‌آمده این آدم می‌آیداساس ملکت ما را روی نادانی روی‌غرض ورزی روی اینکه اعصاب این اعصاب معتدل‌و عادی نیست می‌خواهدخراب کند جناب رئیس امر فرمودند که اگر اداره رادیودست‌از حرکاتش برندارد تصمیم می گیرم وتصمیم گرفتند و متصل‌شد وقتی متصل‌شد رادیو بمذاکرات مجلس شورایملی‌دوسه‌مجلس که بیرون‌منتشرشدبنا کردلرزیدن‌مصدق‌دیدند عجب‌معلوم‌می‌شودواقعاًیك‌حقایق‌دیگری‌هم هست اشخاصی‌هستند که‌ازخود میگذرند می‌آیند پرده‌رابالا میزنند حقایق‌را می‌گویند اداره رادیوبدست ویااقتاده‌رئیس فرمودند که‌اگراینکاررامیخواهیدبکنید من ناچارم‌امر کنم‌راجع‌بیودجه‌تبلیغات‌چنین‌وچنان کنندو امرفرمودندمتصل‌شدمن‌ازشاآقایان سؤال می کنم که‌آیا اتصال‌رادیو بمجلس یاذکر نکات وتمام بیانات‌نمایندگان اگر در خارج ازمجلس بوسیله رادیو بسمع‌ملت ایران برسد این را چه جور باید درش قضاوت کرد؟یا گوینده مغرض است و حرفهایش پایه‌ندارد‌ودوسند‌ندارد‌مردم‌قضاوت میکنند واگر سند دارد وحقیقت میگوید

این خدمتگزاری‌است که‌میکنند ومردمهی فهمند درغیر اینصورت مثل این تلقی می‌شود که بیان مخالف گفته نمی‌شودوآنوقت موافق یك‌جوری گفته می‌شود مردم‌فکر می کنند که‌آقا این حرفها که‌جوابش‌این نبود این‌چه‌حسابی است سوء ظن پیدا میکنند و این سوء ظن مبین میشود که آنهائی که مدعی اصلاحات و مبارزه با فسادند دروغ می گویند سنك بزرك علامت تردن است وآنهم‌مثل وعده روزی سیصد هزار لیره است که‌بعد ازیك هفته ماچنین‌وچنان می کنیم ،توجه‌بفرمائید اینها عیب کارست من‌خودم‌از آنروزی که برای مشروطیت رفتم حضرت عبدالعظیم سال ۱۳۲۴ تااین تاریخ تمام‌عمرم را در سیاست بودم بشما میگویم که‌این‌امربرای دولت ضرر دارد که‌یك‌جوان نورسی‌بیاید اینجا بنده‌بیست روزقبل فهمیدم آمده‌رفتم پیش سپهبد زاهدی بآقای سعیدی گفتم‌وقتی که جناب آقای جعفر بهبهانی آقازاده حضرت آیت‌الله نطق می کردند بین مایك خرده‌اختلاف فکر پیداشد و مازفتیم بیرون عین‌عبارت زبان‌عربی‌و عین عبارت زبان اردوایست،عبارت عربی این است علامه وحیدی را بخوانید ایشان گوش کرده بودند من همانروز فهمیدم که دارد پرده عوض‌میشود میگوید،

حسین خطاب صاحب العمالی السید جعفر البهبهانی اعترض الشوشتری و امر جناب الرئیس بخروج شوشتری من‌البارلمان (خنده نمایندگان)بعنقدید عین همین‌است واماوقتی آن‌آدم خارجی نصرانی کوك مفسرقرآن می‌شود نتیجه‌اش این می‌شود بزبان‌اردوهم‌همین طور گفتند وقتی‌من مطلع شدم واعتراض کردم این صدا درآمد درصورتیکه این‌صورتمجلس است شخص‌شخیص سردار فاخر هیچوقت همچو فرمایشی نفرمودند ونسبت ببنده خیلی هم لطف داشته(صحیح است)و هر وقت هم تذکر دادند من‌با کمال رشادت و ادب تسلیم‌اراده ایشان شدم برای اینکه آقای سردار فاخر غرض ندارد (صحیح است) آبروی مجلس را حفظ‌میکنند(صحیح‌است صحیح است) شوشتری اگر تخلف کرد حتماً بایدرئیس باونذ کربدهد(صحیح‌است) بدون تردید هیچ همچو چیزی‌نبوده است این مقدمه‌را گفتم آقای علم همانست که گفتم‌من باشهامت‌ترازآنم که‌دروغ‌بگویم وآنکاه من اولاد ندارم سنین آخرعمرمن است من‌بخدائی که‌اسلام رابوجود آورده بشاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی علاقمندم وبسلطنت‌علاقمندم(احسنت) حرفم‌رامیزنم‌اثبات شیئی‌نفی‌ماعدانمیکندهر که‌ایرانی‌است بشاه علاقه‌دارد‌اگردرتاریخ‌یك‌شاه‌بهترازاین‌بکرد نشان‌دادفیل‌دارم(یکنفرازنمایندگان-وجود ندارد)مامورشهرسیاستمدارشهیرجال‌خدمت گذار آنهائی‌هستند که درموقع‌خطر سینه خودراسپر بلا کنند باآغوش بازهرضرری را بخود بخرند بروند‌حقایق‌رابشاه‌عرض کنند ، من‌ازآنهاهستم ، من قبل ازاینکه مصدق... آقا، آقای‌ابراهیمی ، آقای‌بزرك ابراهیمی حواسم‌پرت‌میشود من‌قبل‌ازاینکه مصدق زمامدار بشود برویدازپیشگاه‌مقدس شاهنشاه‌سؤال کنیدآیاتمام‌نقائص‌مصدق‌رابه پیشگاه‌مبارکشان‌معروض‌داشته‌ام یاناه دلیل کتبی‌دارم‌من‌دلیلی که‌دارم‌درمجلس‌است‌من وقتی که‌بازمامدارش‌مخالفت‌کردم‌توی‌مجلس است‌آن‌مثل‌شیرین‌رازدم‌راجع‌بپهلوان‌اکبر خراسانی که‌اوراتعدیدمیکنم‌آقایان‌یکقدری ازخستگی‌هم‌بیرون‌بیائید یك پهلوانی بود بنام درایران که معروف بود بکتاب کشتی من‌خودم پهلوان بودم ودلیلش اینست که کتاب نوشته‌ام راجع بکشتی یك پهلوان بودبنام‌بنام‌پهلوان‌اکبرخراسانی که‌این کتاب کشتی‌بوده این راهمه میدانند (مرآت اسفندیاری - چند سالش‌بود ؟)آقااستدعا دارم بسن جنابعالی بود بارازیت میداد (مرآت‌اسفندیاری - سن جنابعالی چقدر بود ؟)بسن حالا من‌افتخارمیکنم که‌هرقدر پیر مرد باشم برای نوکری وغلامی ملت ایران‌فهرمانم این‌رابشمامیگویم بجدم‌سپهبد هدایت،این‌عباس‌مسعودی‌است. جناب‌آقای اورنك مرشدمن دوست من وقتی که واقعه حمله شوروی‌بورشدبمملکت عزیزم ایران‌وقتی که این فاجعه پیش‌آمد بااینکه من‌درسفر بودم من‌باید کشته شده باشم من‌آمدم‌رفتم همان‌روزتوی‌حوضخانهٔ آقای اورنك‌نشستم گفتم من بجدم الساعه پاشو برویس شاه الان لباس سربازی‌ببدن‌من‌بکنند من‌باشوم بروم بمیدان برای‌اینکه ازوطنم دفاع‌بکنم من‌باین مملکت خدمت کرده‌ام من باین مملکت بجدم خیانت نکرده‌ام (احسنت) پل‌پیروزی بودیم پل‌پیروزی بودیم بلی ، بایدهم استهزا بشویم خدایا خودت شاهد باش هرچه میگویم برای‌حفظ‌دین‌تست‌وبرای مملکت شیفته تو میگویم رفتم بشاه عرض کردم ، دربرنامه گفتم پهلوانی بود بنام پهلوان‌اکبر خراسانی وهنوز بعد ازشصت سال که آن شخص پهلوان مرده وقتی که پهلوانان کشتی میگیرند درزورخانه‌مرسوم است باید گل کشی بخوانند برای نوخاسته ومخصوصاًبرای پهلوان‌باینجهت آن‌مباراتی دارد یك‌غزلی‌میخوانند مثلا مطلعش‌اینست نه‌هر که چهره برافروخت دلبری‌دانه‌وغزل رامیخواند بعد میرسد میگوید زاکیات بارکات رفیع‌الدرجات‌محمدی‌خدارا سجود پهران راعزت رب‌المشرقین و رب‌المغربین فبای‌آلاءربکما تکذبان‌وآن پهلوانان‌باید چهار گوشه گودرابیوسند و خدارا سجده کنند وخدا را نیاز کنند که بآنها قدرت داده سلامت داده امنیت‌داده مرحمت کرده وباشونه‌بیرون‌دهامرت کنندوبآنهائی که در آن‌رشته‌سابقه‌دارند‌احترام‌بگذارند وارد نشوندووقتی که فرد کوبیدند‌آن‌وقت‌آن گل کشی خوان‌میگوید : نتوانی شدن‌بآسانی پهلوان‌اکبرخراسانی ولی این عیب راباو وارد میکردند که این‌پهلوان‌عادتش این بود همچو که میدید یك‌جوانمردی یك‌زور آزمائی یك کسی که ممکنست در آتیه صاحب بازو بشدبشود وگوی سبقت را از رفقای دیگربرباید این بلنی‌ازفنون کشتی ونیرنگی ازنیرنگهای زورآزمائی عضوی ازاعضای‌این‌جوانمردرا ناقص‌میکرددرهمین جا آقای مصدق نشسته بوداین‌آقای‌صدر زاده دوست عزیزم که باوارادت دارم بود باو گفتم آقایان وزرا آقایان وکلا این خصوصه دراین آقای دکتر مصدق هر کس مخالف اوباشداگرآن مخالف‌نباشد وموجودیتی نداشته باشد اورابخودش راه نمیدهد وبطوری اورا زائل میکند ومحو میکند واگرهناد موجودیت داشته باشد به فنی از فنون سیاسی ونیرنگی‌ازنیرنگهای دیپلماسی او رامنکوب میکند کیسه سدان درست‌میکنندهزارفامیل‌درست میکنندبند الف وب وج ود که تمام مبداء عنادبود، جناب آقای جفرودی ، باید بوحدت ایران سعی کنیم، خداشاهداست حرفهای تند در این موقع ذی‌قیمت دنیا ممکنست دوئیت وافتراق درمملکت بیرون بیاوردد صورتیکه بذات خداسپهبد زاهدی‌راضی نیست وهیچکس راضی نیست وشاهنشاه‌ما که‌تقدیر میکنند روی‌اصول تقدیر میکنند این‌را مثل زدم، آنوقت مارا آلوده کردند وقتی که آلوده کردند اقلیت تشکیل شد، من اول تك بودم ولی‌بعدجناب آقای‌جمال امامی آقازاده مرحوم‌آیة الله‌العظمی‌حاج امام جمعه رضوان‌الله‌علیه وآقایان باشرف با شهامت اقلیت تشکیل شدند ، آمدیم گفتیم ما چیزی نمیخواهیم، ما بعثی‌نداریم ما میگوئیم آقا توآمدی وعده کردی روزی سیصد هزار لیره در یکهفته واگر موفق نشدی میروی ، آقا کو ؟ چرا کیسهٔ سدان درست کردی؟ اینها کی هستند این کیسهٔ سدان بی‌پیر را بیاورید بیرون که ما بفهمیم اینها کی بودند که شب‌رادیولندن بگوید وما صبح این جور آلوده بشویم، آنوقت رئیس ما بداد ما رسید حالا هم رئیس محترم مجلس شورای ملی بایدبداد نطق نمایندگان برسد ، بداد ملت ایران برسد، بداد سیاست مرموز برسد که مبادا سیاست مرموز در این موقع حساس که ما میتوانیم‌حداکثر استفاده را برای مملکت بکنیم‌روی اختلاف، روی نادانی، روی افراض، روی طمع، روی بی‌اساسی بیاید وضع‌را بصورتی دربیاورد که این موقع‌را هم از دست بدهیم بعد هروقت دردنیایك صورتی پیدا شد در آن چه‌حسابی‌برای ما باز میکنند مردم باید بفهمندوامامخالفت من با شخص آقای‌علاء من دردوره پنجم که مفتخر بنمایندگی مجلس شورای ملی بودم، از روز اولی که آمدم دراین مجلس شورای ملی برای یك بیانی که از مرحوم احمدشاه رحمة‌الله‌علیه شنیده‌بودم‌که‌ورث پیدا کرده بودم من و یك آقای دیگر ، دوتائی اسمش زاهوچی میگذاریدبگذارید پارتی میگذارید بگذارید، عامل کنار می گذارید بگذارید من باآن آقای حسین نوری‌زاده سلمه‌الله‌تعالی جزء ارادتمندان اعلیحضرت فقید یعنی سردار سپه بودیم ، دسته‌بندی میکردیم،اتحادیه‌درست‌میکردیم همه این کارهائی هم که هوچی های تازه وارد مکتب‌سیاست میکنند همه‌اینهارا کهنه کردیم، از اینجا تا سیاه‌دهن قزوین طاق نصرت‌بستیم برای استقبال مرحوم‌رضاشاه از آن سفر که می‌آمد با اینکه راه نبود اعلیحضرت راپردیم ازپشت خندق وازراه آب‌انبارقاسم‌خان‌اززیرطاق‌نصرت‌قصابخانه گذرانیدیم من آنوقت در مجلس شورای ملی بودم دوره پنجم‌ایجاب کرد که‌سلطنت از یك خانادن محترمی بخاندان محترم دیگر طبق مؤسسان انتقال پیدا کردمنهم از آن‌اشخاصی هستم که دردوره‌پنجم‌قسم نخوردم وهرچه مؤتمن‌الملك که‌خدااشاءالله اورا با اجداد عظامم محشور بفرمایدآن مرد باشرف هرچه بمن گفت گفتم آقا من یکنفررا معذور بدارید گرچه آقای آقا سید یعقوب آمد وخواند : لایواخذکم الله باللغوفی‌ایمانکم ولی من چنین عبارتی نمیگویم، قرآن که آمد بدستم‌اگرمسلمانم واگر مدعی سیادت باشم بایدبتمام جزئیات قرآن احترام بگذارم، من را معغوبکنید قسم نخوردم وروزی که بناشد سلطنت‌تغییر پیدا بکند یعنی از خاندان قاجاریه و شاهزادگان‌قاجاریه خلع بشود چندنفرتوی این مجلس‌مخالفت کردندونطقهائی کردند، من درهشت ماه هفت ماه قبل منتقل شدم بیك امر مرموزی دردورو‌بر جناب آقای علاء چون اگر فراموش نکرده باشم تصور میکنم که بطور گله آمیز بجناب آقای اسدالله عـــلم یك چیزی عرض کردم که ایشان این‌جوری هستند و سه‌چهار نفر دیگر هم‌دردربارعرض کردم که پیشگاه همایونی معروض‌بدارند ، این آقا نطقی کرده است که درشش هفت ماه قبل وقتی فهمیدم‌استدعا کردم‌ازمقام‌محترم ریاست که این نطق را از صورتمجلسهای دوره پنجم آوردند‌بیرون‌وآقای علاء این نطق را برخلاف سلطنت‌و اعلیحضرت‌فقید کرده است،خواندن‌این‌مفصل‌است‌هر کس میخواهد برود این رابگیرد،من‌باسندحرف میزنم، این کدورت برای من‌بود که ایشان چرا ؟پسر علاءالسلطنه چرا همچو کرد ؟ ولی خوب سلطنت تغییرپیدا کردوتمام‌شد وفرصت پیدا شد و اعلیحضرت فقیدشروع کرد باصلاحات و می اصلاحات‌فرمودهی فرمود تا اینکه‌این اصلاحات‌بذائقه‌دیگران تلخ آمد و شد آنچه‌شد،واقعه آذربایجان پیدا شد،واقعه آذربایجان عزیز، واقعه پیشوری که من اورا سید نمیدانم آن وقتی

که آمده بود درحضرت عبدالعظیم بوده سید میرزا آقای یزدی مدیر حیات جاوید مرحوم فرخی یزدی رفته بود توی سفارت نظامی روس و آن روزنامه حقیقت را میفروخت بین گفت که این اصلا امل شکی است وسلمان نیست چه برسد بسید بودن سید که برعلیه مملکت شیعه اینکار رانمیکند «این پیش آمد دولت ایران این پل پیروزی ناچار شد» دکتر مصدق راجع باذربایجان آقای علا خدمت کردم) اجازه بدهید این راپشورای امنیت شکایت کرده نمیدانم فشار دریلماسی درتهران دولت را مجبور میکرد ناچارشد باودستور بدهد که این شکایت را ازشورای امنیت مسترد کند و انصاف نیست که آقای علا مسترد نکرد حالا یکعده‌ای میگویند که این حرفها حرفهای مناسبی نیست ومصلحت ما نیست که در پشت این تریبون گفته شود ، بهر کیفیتی که باشد ایشان آنروز عامل و فاعل این امرخیر بودند (احسنت ، صحیح است)این امر خیر این فصل ایجاب کرد که من آن کدورت سابقم تبدیل شد بارادت (احسنت) ارادت چه وقت بروز کرد وقتی که مرحوم رزم آرا رحمة الله علیه کشته شد و آن قضیه آقای فهیمی را کار ندارم بعد جناب آقای علماء آمدند دراینخصوص اغلب آقایان که در آنجا تشریف داشتند میدانند تنها کسیکه باتمام شهامت نسبت بآقای علا اظهار ارادت کرد و گفت من بودم ، همینطور بود آقای صدرزاده همه آقایان بودند خوب ماانتظاراز ایشان چه داشتیم؟ انتظار ازایشان داشتیم که وقتی من پیر مرد بروم عرض بکنم جناب آقای علا مملکت دارد روبنخاطره میرود ، پرده سیاسی دیگری است من زودودرک میکنم ،این آقای ارسلان خلعتبری که اینجا نشسته این آقا، کو آقای دکتر جزایری؟ کوبرادرم؟ سریک امر سیاسی آقای خرازی میدانند ،چند سال قهر کردیم چرا ؟ برای اینکه بیرادرم عرض کردم داداش جان تو که رفتی در حزب ایران ، ارسلان است پسر امیر اسعد است ،تو مرحوم سپهسالار تیمورتاش مرحوم شاهد الدوله که همه استاد ونوشتجات و قبالجات این خاندان بمیرید بزرگوارم است ودرمحضر ما تنظیم شده است گفتم شما آلت نشوید حزب ایران هسته مرکزی حزب توده است (خرازی - آقای دکتر جزایری آمدند بیرون از آنجا) آقا بگذار تمام بکنم من قهر کرده بودم رسید بهفت ماه بعد از این واقعه به جناب آقای ارسلان خلعتبری اتفاقا آقای خلعتبری همیشه کاری داشتند باهم صحبت میکردیم ما همیشه باهم دوست بودیم من گفتم یك هیچ جریانی بوده بین من و برادرم گفت چرا بمن نفرمودید، آقای خوشتری راستی میگوئی اینطوراست من ترا آدم خوبی میدانم برو تحقیق کن آقای ارسلان رفت تحقیق کرد وبآقای دکتر جزایری توبیخ کرد که چرا وقتی برادرت گفت تو گوش نکردی چرا

بیامدی بین یکونی و همانجا انشعاب پیدا شد ، دکتر جزایری و آقای ارسلان و آن جوان‌های تحصیلکرده آمدند بیرون وشروع کردند بمبارزه ، من زود درك میکنم ممن از کجا فهمیدم چرا فهمیدم ، جناب آقای انتظام من از کجا فهمیدم ؟ من خدا میداند که بعد ازواقعه شهریور که مفتخر بودم به عضویت وزارت کشور و الان هم منتظرم الان هم وزیرمان رئیسمان که آنجا گرفته‌اند نشسته‌اند من اینجایك احترامی قائل بودم یکروزدیدم دربازشد ، وقتی در بازشد مرحوم شاهزاده سلیمان میرزای اسکندری من ازچیزهای جزئی مطالب را تکه تکه کاغذ خرده جمع میکنم میگذارم پهلوی هم ویك کلی سیاسی ازتویش بیرون می آورم مرحوم سلیمان میرزا بعد ازجنك درزمانیکه کپل بودنسبت بمن احترام میکرد آمد گفت آقا تو که میخواستی کشته شوی ماتشکیلات حزب توده میخواهیم بدهیم وشما را برای این امرانتخاب کرده‌ام که توبیائی هم میتوانی حرف بزنی هم ازتو گوش میکنند وهم می توانی کمونیست را با اسلام تطبیق بدهی گفتم این صحیح است اما این قسمتش نمیتوانه دروغ است ، دروغ است با هم سازش ندارند سلیمان میرزا مأیوس شد ورفت بیرون من فهمیدم دارند برای محو استقلال ما اقدام میکنند ایران هم مثل استونی ولیتونی و نمیدانم رومان وفلان وازاین جور چیزها میخواهیم بشویم شروع کردم بفکر دیگر، فکردیگرم چه بود ؟ مرحوم فروغی رحمة الله علیه الان یکنفر از آنها حبات دارد ویکیشان فوق العاده ،موردتکریم واحترام همه است که جناب آقای فاضل تونی است ، سلمان اسدی است ، مرحوم دکترغنی است مرحوم حاج سید نصرالله تقوی است ، خدا رفتگان مارارحمت کند چون فروغی باین مملکت خیلی خدمت کرد (صحیح است) خیلی خدمت کرد خدارحمتش کند ، نشسته بودیم صحبت میکردیم این آقای سلمان اسدی بنابود رئیس تبلیغات بشود درضمن صحبت کردن واقعه خراسان ذکرشد ومن آن قضایا را شروع کردم بذکر کردن و مظلومیت اسدی که پرونده‌اش خلاف واقع ساخته شد و آن پرونده را توانی ساخت وشاهنشاه پهلوی هم تقصیر نداشته وگناه نداشته است وهمینقدردراینجا بزرگواری بخرج داده‌است که درپرونده دیگر بخطعبارتك خودش درآنجا نوشته ، بعدازاینکه زاهدی آن خدمت رامیکند ، بایدسعی بشودجدیت بشود که این پرونده هم مثل آن پرونده آخرش دروغ درنیاید ، این کتاب تاریخ اسرار حادثه خراسان که ده پانزده روز دیگرمراجعه آقایان میشوندوپولش رامیخواهند برای اینکه من پولی ندارم ، من نمیخواهم بگویم همین آقای علم میماند که چه کسانی وقتی من خانه نشین بودم بمن کمك کردند الان در نفرخان توی همین مجلس هستند و

الان بمن اصرار کردند که اتم بهرباین آقای طهماسبی‌اند ، من بچهم شش هفت شب نمیگویم ، نمیگویم ، مرحوم فروغی گفت بنویس ، من یك نامه سر گشاده بپیشگاه مقدس شاهنشاه عرض کردم که درآن واقعه مظلومیت خراسانیهارا عرض کردم ودر آنجا استدعا کردم که آن طلاهای خط علیرضای عباسی را که بامضای من جمع شده امر بفرمایند این آقای شادمان شاهد است ، این طلا هابر گردد بآستان قدس سلطان سریرارتضا علی ابن موسی الرضا روحی وارواح العالمین له الفداء وازهمین جاباز از پیشگاه مبارك شاهنشاه تشکر میکنم که ترتیب اثردادند وبوسیله آقای حاج سید رضا فیروزآبادی و اینها این عمل شد ، من وقتیکه شروع کردم ناآن وقت هم شرفیاب نمیشدم آقای سلیمان بهبودی روزی تشریف آوردند منزل من بمن فرمودند که اعلیحضرت امر فرموده‌اند که ازتواحوالپرسی کنم ووقتی را که میل داری تعیین کن تشرف حاصل کنی بپیشگاه مبارك ، من شرحی بحضورمبارك کشان عرض کردم که در گوشه و زوایای این مملکت اگرافرادی باشند ازاینجا معلوم میشود که شاهنشاه عدالت پرور بتمام زوایا عنایت دارند ومن اگرحالم بهترشد و استعداد درك این فیض را پیدا کردم آنوقت عرض میکنم این امر گذشت چندروزدیگرهم گذشت و آقای بهبودی مراجعت کردندومی گذشت و گذشت تاجناب آقای محمود جم وزیر دربارشدند روزی بنده راسرافرازفرمودندوبمن فرمودند که شاه فرموده‌اند باید شرفیاب شوی ، تشرف حاصل کردم ۵۴ دقیقه بودم در ۱۱ دقیقه حقایق را که عرض کردم اعلیحضرت متأثرشدندوگریه کردندوفرمودندشوشتری چطورشد که تراز اطراف پدربزرگوارم دور کردند ، عرض کردم گناه من وپدرمن شد . گناه من صراحت لهجه من است. گناه من وفاداری من است . گناه من اینهاست فرمودند که باید بیائی اینطور میکنم . این طورانصاف نیست . حق اینست وآنچه که فرمودند عمل فرمودند و من ایفای وظیفه کردم وقتیکه ایفای وظیفه کردم انتظار نداشتم که دیگران وظایفه پیرمردهارا زیر پابگذارند وخدمت را خیانت جلوه بدهند و خیانت را بصورتی درپیاورند که باجان اشخاص وناموس مردم بازی کنند وقتیکه جمله جمله میگویم دومرتبه برمیگردم باصل مطلب بدان آقای حشمتی خداوند این استعداد را بمن داده که مطالب را برگردانم بموضوع اصلی وقتیکه شب رادیوی لندن آن خبر را داد ما تصمیم گرفتیم آن ورقه را ندهیم فردای آنروز روزنامه رزم روزنامه مردم روزنامه اصناف و شورش آن خبررا نوشتند یکروبدمال آن تاریخ را بخوانید. عصر آنروز آقای علاء مثال و کلاه کرده تشریف بردند خدمت جناب آقای مصدق حالا تبانی بود نمیدانم نمیه بودنمیدانم اشتباه بود نمیدانم

مصدق هی تحریك میکرد که اقلیت دوره هفدهم سحرمانه الهام از شاهنشاه میگیرند و از آنجا تأیید میشوند وقتیکه این حرفها شد عصر آقای علاء تشریف بردند خدمت آقای مصدق و گفتند که من باعلیحضرت عرض کردم اعلیحضرت فرمودند شکر رادبو لندن را دیشب گوش نکردید ؟ پسر آقا سید حسن شوشتری حالا شده انگلیسی محض و قطعی است موهم لای درزش می رود. از آنجا من عصبانی شدم من چرا من اسم ۳ نفررا بردم من عرض کردم استغفار کنند تبری بجویند از آن اعمال بنده میآیم دستشان را میبوسم همانطور که آقای شمس قنات آبادی فرمودند اگر از طرف این دولت خدمت بشود ما میآئیم دست وپای آنها را میبوسیم منهم عرض میکنم اگر تبری بجویند میآیم دست آنها رامیبوسم همان اوان بود عصری بود ساعت ٤ بعد ازظهر باآقای نوری‌زاده حرکت کردیم رفتیم منزل آقای سپهبد یزدان‌پناه تا ساعت شش ونیم ۲ ساعت و نیم صحبت کردیم گفتم که آقای سپهبد یزدان‌پناه در سال ۲۱ بعد از شهریور ۲ درمنزل مرحوم الله خطرائی دائی آقای دکترغنی مصدق یك چنین کلمه‌ای بمن فرمود گفت این نامه‌های سر گشاده و این اسرارخراسان که نوشته‌ای به‌ازاین قلم رشیق و شجاعت باید اصل ریشه را زد گفتم بسپهبد یزدان‌پناه من یك هیچ حرفی از این آدم‌شنیدم من می‌ترسم تا ساعت ٦ ونیم بااین آقا حرف زدیم گفت که انگلیسها فلان کردند وفلان آقای دکتر مصدق وطن پرست است وهرچه عمل میکند و هر تغییری که میدهد به نفع و مصلحت مملکت است از آنجا مأیوس شدم آمدم بیرون نزدیك ساعت ۷ شرفیاب شدم خدمت آقای حشمت الدوله والاتبار گفتم تو سیدی گفتم صحیح است برادرتو نابرادری آقای دکتر مصدق است وشما در سلطنت اجار زیاد متمتع بودید ولی سیدی مال مملکتمان داود بخطر مانند ما سلطنتمان داود اینطور میرود برای رضای خدا اصلب یافردا شرفیاب شو بپیشگاه مبارك ملوکانه این عرایض صادقانه را عرض کن اگر من اشتباه کردم بگوشوشتری اشتباه کردی نمیفهمی بروکنار و اگر اشتباه نکرده‌ام این مطالب را تذکر بده تا ایشان بدانند دیدم درست یك خطیب است کتاب گلستان است که باز کرده‌اند و میخوانند همان بیانات سپهبد را ایشان درجواب بمن گفتند آمدیم بیرون افتادیم بصدمولی در آن روزهای دوره ۱٦ رادیو متصل بودبمجلس و اگرسه جلسه دیگر متصل بود سور مفتوحی پیدا میشدختام پیدا کرد بدستور دادن متملقین اشخاصیکه بهلوان زند را میشناسند مادام که کسی روی کاراست میآیند دور و براوتملق بهش میگویند یکمرتبه اورا خدا میشمرند من در نظر دارم توی

سالن دارالفنون (که بنادم دست آن آقایی را که زد بسینه آن مرد و بپوش کرم بیوسم آن دست را) یك کسی آمد برای تملق جلوی من و جلوی ۱۵۰۰ نفر گفت بنهم همان به کز تقصیر خویش عذربدتر گام رضا آورد برخلاف میل شاهنشاه کبیر او را اینطور گفت آنوقت پسر یادداه شاهنشاه وقت باو گفت برود که البته آن کلمات قبیح است البته حق از آستین بگذریبیرون میآید وقتی شاهنشاه میخواهد از مسافرت بعد از ۲۸ مرداد برگردد او میخواهد برود تملق بگوید بازهم پهلوان زنده تملق بگوید آقایای میزند توی سینه‌اش بایستی او را بیرون میکند من این جورم واین جورفکر میکنم وباید مملکت هم اینطور باشد [مملکت را باید] از دوروئی خارج کرد از تملق خارج کرد از آنها که میروند و کفش پاك میکنند ووقتیکه میرود میگویند هیچ خائنی بود هیچ بی‌حیائی بود هیچ دزدی بود هیچ جاسوسی بود تا دکتر امینی وزیر دارائی است بهش تملق میگویند وقتیکه افتاد میگویند چنین کردوچنان کرد این باب باب جوانمردی نیست باب خدمت نیست باب درس بجوانها نیست بیائید ازاسلام درس بگیرید راست بگوئید بی پروا بگوئید خدا را در نظر بگیرید باحقیقت آشنا باشید جناب آقای انتظام این مردم گرگان همیشه باهم دعوی داشتند من یك شاهکلاری زدم هرکسی بر علیه دیگری آمدپیش من من عین حرف او را بطرف گفتم تابه بینم راست است یا دروغ وقتی که بطرف می گفتم پهست وپامیافتادند میگفتم اگر دروغ است چرا گفتی ؟ اگر راست است کوچه مانعی دارد طرف هم بفهمد ، بگوئیم هوام فریبی نکنیم دیگر این باب بسته شود بایدازاین راه عمل بکنیم در دوره شانزده یك پیشامدی شده بود که یك روز آقای مصدق دریشت این تریبون اظهار کردند که پسر عموی آقای شوشتری را انگلیسها میخواستند بیاورند نخیت وزیر کنند چنین وچنان کنند مردم آمدند نهضت ملی کردند ومقاومت مردم سبب شد که فلان آدم را بردفلانی راآوردبعد دیدم یکدفعه ابتدا بسا کن برمیگردد میگوید جناب آقای علاء دیروز ازمن سؤال کردند که آقای مصدق شما میخواهید جمهوری کنید من به ایشان عرض کردم من باچه قوه‌ای میخواهم جمهوری کنم من آن ایام بتلاشدم بودم به یك تسمی حالا چه بود نمیدانم ۳۷ روز طول کشید آقای حاج طهرانی الاسلام و آقای آقاسید ضیاءالدین یك روز عصر تشریف آورده بودند احوال پرسی بنده کفتند آقای مصدق را حواست جمع باشد گفتم چطور دوستی دارم آقای پایکان پار گفتم

روزنامه رابیاور که به بینم درمجلس شورای ملی نماینده محترمی این حرف را جواب گفته یاخیر دیدم خیر با آن حال صدا کردم دوتاقوطی خمیر آنتی فیلوستین آوردند گذاشتند بسینه‌ام و حرکت کردم آمدم مجلس وقتی آمدم کیشت این تریبون جناب آقای دکترراجی سلمه الله تعالی داشت نطق میکرد وقتی که من واردشدم گفت من بقیه وقتم را به آقای شوشتری میدهم گفتم آمدن من به مجلس شورای ملی ازنظر وجوب عینی است نه وجوب کفائی وجوب عینی است آقایان توجه کردند بعد از اینکه تشکر کرده بودم ازساحت مقدس نمایندگان محترم که درمدت بیماری ازمن عیادت کرده بودند احوالپرسی کرده بودند پرسیدند چه بوده است وجوب عینی عرض کردم آقای مصدق درجلسه قبل بنده را دنباله آقای آقاسید ضیاءالدین قرارداده بودند اولا آقای آقا سید ضیاءالدین خودش اره میدهد و تیشه میگیرد ولی تاریخ قضاوت خواهد کرد که من انگلیسی هستم یانه ومن برای این حرفها بیامده‌ام من به این حرفها وقعی نمیگذارم برای این لغت آمدم که آقایان نمایندگان محترم لغت ابتدا بساکن جمهوری که از دهان آقای مصدق درمجلس بیرون میآید آیا فهمیدید که ابتدا بساکن چرا این کلمه را گفت ؟

رئیس - آقای شوشتری وقت آقا تمام شد

شوشتری - اجازه بدهیدمن عرضم را بکنم دربرنامه باید مخالفت کنم یکساعت بمن وقت بدهید

رئیس - امروز میخواهیم بحث در برنامه دولت تمام شود نیمساعت وقت از مجلس بگیرید آقایانی که بانیمساعت وقت اضافی موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد بفرمائید

شوشتری - گفتم آقایان نفهمیدید که این لغت ابتدابساکن جمهوریت برای چه بود ؟ آقای امامی اهری گفتند برای چه بود ؟ گفتم برای این بود که گوش شما و گوش ملت ایران را به این لغت آشنا کنند من آمدم پشت این تریبون بگویم آنکسی که آرزوی جمهوریت را دارد این آرزو را بگورخواهدبرد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته من آمدم و گفتم از کجا فهمیده بودم برهان این فهم چیست حالا نشان میدهم آقایان یك خدمتگزاری مثل شوشتری که نوکر فردفرد شماست وغلام یادشاهست یك موضوعی رامیخواهدعرض کند آقای علم مستحضراست بنده آن شبی که در مجلس شورای ملی رزم اطاقم را کشیده بودند و قراولها رفته بودندونوشتگها راپیدا کردند سوءقصد پیداشده بود ناچارشده بودم و از شهربانی کشورتقاضای یك قبضه والتر کرده بودم والترراشهربانی داده بود و بعد یك مؤمن دیگرهم یك آهن پاره‌ای برایم آورده

بود اینهارا داشتم در منزلم بودم در بستر بیماری افتاده بودم کاهی علم احوالم را می پرسید گاهی علامه سیدی ونوری زاده روحی فداه میآمدندواحوالپرسی میکردند یکروز دیدم که این نامه بدست من آمد دیدم این نامه مال ۱۷ر۲ر۳۴ است با شماره شهربانی محرمانه نوری است که « آقای سیدمحمد علی شوشتری پیروشماره فلان دوتاریخ ۱٤ و ۳ به این وسیله آقای سر گردحکیمی نماینده شهربانی کل معرفی میشود متضمن است یك قبضه والتر شماره ۱۰۱۹۵ شهربانی را که نزدشماست به ایشان در مقابل رسیدی که به مخزن این اداره سپرده‌اید تحویل فرمائید رئیس شهربانی کل کشور سرتیپ مدیر» بااین نامه آن هوشی که دربعضی از بچه آخوند هاست بسرم آمد الان دو تا خواهرزاده یك برادر زاده هم دارم بشما بگویم بروید از آقای دکترسنگی که طبیب درباراست بپرسید پرفسورهالیمقامی که در پاریس اورا عمل کرده‌است چه گفته است ، گفت این استعداد وفراست دارد من دوتا خواهرزاده دارم یك خواهرزاده‌ام حضرت آیت‌الله میلانی که مرجع تقلید درخراسان است این خواهرزاده‌ام مجتهد مسلم است در ۲۵ سالگی یکی هم درقم دارم که نظیرش هم نیست والان هم دارد زبانهای خارجی تحصیل میکند گفتم اردو وچینی ودیگر زبانهارا هم باید تحصیل کنی که بروی برای اسلام برای دین جدت تبلیغ کنی و این مسلك کمونیست ومارکسیست را ازبین ببری با ادله قوی بعد از آنکه آن کاغذ رسیدمن فکر کردم بلا تأمل منتقل شدم پیش آمد سوئی میخواهد بشود این جواب را نوشتم به این جوابی که آن روز نوشته‌ام افتخار میکنم نوشته‌ام « بسم الله الرحمن الرحیم اداره شهربانی کل کشور تیمسار محترم آقای سرتیپ مدیر شخصاً ملاحظه کنند دریاسخ نامه شماره فلان دائر بمعرفی آقای سر گرد حکیمی از طرف شهربانی کل کشور برای تحویل یك قبضه والتر اشعار میدارد یقین دارم اداره شهربانی بهتر از همه کس مستحضر است ازسه سال قبل یعنی آغاز نمایندگی اینجانب بالاخص از آغاز زمامداری آقای دکترمصدق موردحملات وتوهینات افراد منتسب بدولت وچاقوکشان تهیه شده ازطرف دولت قرار گرفتم فعلا نمیخواهم ومقتضی نمیدانم وارد علل مرموز آن شده که از اتهامات بیگانگان این حملات سرچشمه گرفته وارد بحث نمی‌شوم تا آنجا که مکرر در مقام سوءقصد بجانم برآمدند وپرونده های آن موجود ویکی هم درمجلس شورای ملی حاضراست تااینکه ناچار شدم ازشهربانی درخواست یك قبضه اسلحه کمری نمودم شهربانی که ظاهرآخود را بیطرف نشان میداد میخواست بفهماند درجریان وارد نیست وقصد سوئی ندارد موافقت کرد یك قبضه اسلحه را دادند اینك

مأمور آن اداره با کمال شدت درمقام آمدند ودم برآمده است نمیدانم چه پیش آمدی روی داده است که موجب این مطالبه شده است آیا آن اداره سوءظن جدیدی نسبت باین جانب پیدا کرده یا اینکه اطمینان پیدا شده از کردنیهایشان پی برده‌اند گرچه این جانب از روز اول ابتدای روی کار آمدن آقای دکترمصدق پی به اصل موضوع برده ودر مجلس شورای ملی هم صریح گفتم معلوم میشود مطلب نزدیك است در موقع تهیه مقدمات ازنظر احتیاط بنصوراینکه ممکن است مخالفین ازیك قبضه اسلحه کمری نتیجه بگیرند لذاباید از اینها گرفته بشود نیسار سرتیپ مدیر بشما برنخورد من ازهیچ چیز نمیترسم کوچك وبزرك این کشور مرا می شناسند باکمال صراحت میگفتم باید باین کشور گریست که افرادمرموزوچاقوکشان دولت مصدق مجاز بهرعملی هستند و یا کمال بی‌پروائی هرگونه اسلحه‌ای راهمراه دارند وعلاوه ازآنکه مامورین مانع اینها نمیشوند درمقدمات هرمطلب درهرعملی و انجام هرعلامی‌بینند درنظرمامورین انتظامی اینها دست بعمل میزنند بنابر مقدمه فوق چنانچه دولت چون دولت درمقام آن برآمده که برای خروج این بنده ازایران بعنوان معالجه گذرنامه باین جانب بدهد که ازاین کشور پر از امنیت خارج بشوم پس از صدور گذرنامه یك روزبعدشخصاً بشهربانی خواهم آمد وپس از گرفتن رسیدداده شده اسلحه‌را میدهم درغیر این صورت چنانکه شهربانی جداً مطالبه میکند ومهلت نمیدهم اینجانب ناچار است نامه شهربانی را و نامه اینجانب را بوسیله جریده‌ای در اختیار داریم در معرض افکارعمومی بگذاریم » من هرچه میگویم مستند است فردای آن روز آقای کاظمی نایب نخست وزیرووزیر دارائی تشریف آوردند بمنزل بنده این نامه را که رونوشت آن به ایشان ابلاغ شده بود و معلوم شد که این درخواست رااو کرده من که از شهربانی درخواستی نکردم من پول ندارم که بشهر به بروم اگر پول داشتم الان هم که دندان های باثبات افتاده پول ندارم که آنها را بگذارم هر کس هر چه می خواهد بگوید (بزرك ابراهیمی - بشما قرض میدهیم البته مرحمت می کنید متشکرم مخونم لاطفتان نامه این بود

شهربانی کل کشور

آقای سیدمحمد علی شوشتری برای معالجه تقاضای گذرنامه عادی بمقصد فرانسه وامریکا نموده‌اند دستور فرمائید کمطبق مقررات ومعمول اقدام نمایند نخست وزیر ۸۳۲۷ر۱۷ر۳ر۳۲ دونوشت جهت اطلاع جناب آقای کاظمی وزیر دارائی فرستاده میشود (نخست وزیر - دکتر محمد مصدق)

این امضای آقای دکتر مصدق است آمد گفت آقا باید بروی گفتم تامل کن من این فرش و زندگیم و این چیزهائی را که مانده اینها را هم بفروشم جناب فرش بادت هست کی بود؟ کجا بردند گذاشتند بچه وضعی بردند حتی چراغهای نوری و چراغ خواب خانه‌ام را خدامی داند فروختم برای من این وضعیات پیش آمد این صدمات را خوردم عیب ندارد درراه مملکت خاک بر سرم اگر جانم رادر هردقیقه کلازم باشد نثارنکنم والبته من قصیده‌ام این تاریخ مال ۱۷ اردیبهشت است ٤ ماه قبل ۲۸ مرداد است آقایان من از کجا فهمیده بودم حدس زدم هوش داشتم می‌میرفتم عرض میکردم از ترس اینکه مبادا بدربار شاهنشاه چیزی چسبیده بشود میرفتم یک جائی پیدا میکردم باین علم می گفتم و میگفتم برود و میرفت تا اینکه کارشد ودیدم که دارد کارتمام میشود نزدیک ۲۸ مرداد است از ۲۱ مرداد بیمدمو کلین محترم بنده در کرگان یک جنبش خاصی داشتند رفراندم چی‌ها بالباس عوضی در رفتند رفتند آنجا وشروع شد کسی چه میداند این اسرار را که در کوههای شمیران و درتپه‌های الهیه درسوراخها چه جور افراد جمع میشدند با چه خون دل بتائید خداوند وتوجه اولیای اسلام بود مقدمات آن البته ازدست سپهبد زاهدی وطرفداران او تهیه شده‌اما کوچکترین از آنیم که یکرتبه ۲۲ میلیون ملت ایران راماها که بوسیله حکومت وقت و بوسیله فرمانداری محترم نظامی آنهم به آنصورت ارتباطمان قطع شده با آن تشکیلات با یک عده جمعیت نمیتوانستیم بجنبیم مگر خدا خواست هفتادوچند تانک درزرهی بودهنوز بسپهبد هدایت میگویم هنوز سپهبد شانی دانید بشاهنشاه هم عرض نکرده‌ام چرا این هفتادوچند تانک بکار نیفتاد لابدیک نقشه‌های دیگری هم در کار بود ویک مسلمانهای دیگری هم در کار بوده‌اند پر گرویم بازبیک مطلب دیگر نهم اسفند پیش آمد هنوز کسی نمی‌داند که چطور شد قضیه تشریف بردن شاه از ایران که اگر آن تشریف فرمائی بوقوع پیوسته بود ماهااینجا نبودیم بدون تردید نبودیم بدون شبهه نبودیم هنوز کسی متوجه نشده من دارم تاریخ آنرا می‌نویسم چه شد که آن قسمت شب کشف شد وصبح زود یعنی ازنصف شب بحضرت آیة‌الله بهبهانی وآقای کاشانی وتمام مقامات مؤثر اطلاع داده شد هنوز کسی پی نبرده است باینکه این کار از کجا کشف شد بزبان انگلیسی فصیح بحالت رمز گفته میشود بکسی که بشارت بدهید شاه تشریف میبرند آنشخص یکی از برادران فنشائی که آقای خسرو بوده است درمونتیکه سر حریفان از باده ناب گرم گردیده بود میگوید اومیگری می گوید خوش سرشار سپهبد مهدوی و مهدی مشایخی درک میکند مطلب را میفهمد تلفن میزنند هی تلفن میزنند که قصه این است این بود که صبح آقای سلاح سپهبد بهبهانی که خدانشاءالله سایه‌اش رابر سر بچه‌هایش وهمه اهل ایران مستدام بدارد تلفن میزند سئوال میکند از آقای ملا که صحبو چیزی صحت دارد میگوید اعلیحضرت الان سوار شدند تشریف بردند گردش دومرتبه تلفن میزند سوال میکند جواب میدهند که اگر اعلیحضرت بمیل خودشان مسافرت میکنند بمصلحت است من شمیران بودم از آنجا بسرعت آمدم وبا خون دل خودرارسانیدم بدربار وارد شدم توی اطاق خدمت جناب آقای علاء باارادت سابق که داشتم دراین بین جناب آقای حشمت الدوله والاتبار را دیدم که آمدند وچندنفر دیگرهم آمدند یک سید خوشروئی هم آنجا بود آقای عادل خلعت بری وچند نفردیگرهم بودند عرض کردم آقاحیات مملکت است شاه چرا باید تشریف ببرند گفت آقا چراشامداخله در امر سلطنت میکنید مصلحت این طور است من باشدم آمدم آقای آقابای با آقای بهبودی را ببینیم دیدم عجب سیاست مرموز دویست ساله عمل دیگری دارد میکندما داریم دچار مخمصه دیگری میشویم آمدم بیرون کیج خوب چه پیش آمد اینهارا می کوبم من اگر علم دارم حق دارم اگر سوء ظن دارم حق دارم مدتی گذشت من رفتم منزل دوتا آقا که اینها بامن رفیق بودند محصل بودند مقارن ظهر که آمدم دیدم یک اتوموبیلی آنجاست خدامیداند اگر والاحضرت رانی حالا که اینجا ایستاده ام ببینم نمی‌شناسم من اصلا وضعم این جور است شایدهم نگاه نمیکنم دیدم یک اتوموبیلی است دوتا خانم در آن است گفت فهمیدی کی هستند گفتم نه گفت والاحضرت اشرف پهلوی ووالاحضرت شمس است که میروند گفتم عجب باین صورت مفتضح خواهرپادشاه دختر پادشاه عجیب اسلام این جور بما دستور نداده اسلام احترام بزرگان را تاکید کرده یک خانمی را آوردند درمسجد نزد خلیفه ثانی رضی‌الله‌عنه میگوید درمعطر علی مرتضی ع بیخشید فرمود نمیشود شاهزاده را بخشید باختیار خودش بکه اوبد شاهزاده محترم است خواهرپادشاه است این چه وضعی است که پیش آمده است؟ بعداز چندروز حالا آقای علاء خانه نشسته‌اند دونفر راشاهه بردم یکی آقای دکتر نهامی ویکی یک نفردیگر برای احوال پرسی دروقتی که همه ما درپنجوله مافرارمی کنیم جمال امامی شبها بایدجایش را ازاینجا بآنجا تغییر بدهدولی ایشان در قصرشان با کمال شهامت همانطوری که در آخر دوره ۵ بعداز تغییر سلطنت دیگران رفتند و آن آقا باهزت عائد خودش را نگاه داشت باشدم رفتم باد کترنهائی وعرض کردم که حالا که اینطوراست شما بیاجلو بیفت گفت آقای دکتر مصدق وطن پرست است هرچه میکند مطابق مصلحت ایران است معلوم شد شب آن آن دوز آقای سید باقر حجازی آقای صیدی نوری و آقای میراشرافی سه‌تائی رفتند و با ایشان صحبت کرده‌اند وهمین جواب را بهشان داده‌اند که چهل وچند سال نزدیک به ۵۰ سال است آشنای به‌سیاستم حالا دارم اداره‌را یک یک بیرون میآورم مثل آنکه تاریخ اسرار خراسان را میدانیم من که یک عمر درسیاستم حق ندارم مطلون باشم من میترسم ازاینکه دربرنامه‌ای که شما تأیید گردید برنامه قبل را آنوقت درقسمت اخیرش مبارزه بافساد یکمرتبه (الف) و(ب) و(ج) شود آقای دکتر نصرمن وتو باهم مأمور نشدیم نرفتیم پیش آقای لطفی آقای سید احمد امامی آقای قریب آقای شاهرودی گفتند میخواهیم ادارات راتصفیه کنیم مگر بنده وجنابعالی به آنها تذکر ندادیم که این طریق اصلاح نیست گفتند طریق اصلاح چیست گفتیم طریق اصلاح این است که درهروزارتخانه‌ای که سه‌چهارتا آدم پاک وامین که پیدا می شود اینهارادعوت کنید اولا معلوم کنید که چقدرمامور درهروزارتخانه لازم داریدو بعد هر کس که وارد وزارتخانه شده ازروز اول یک پرونده جداگانه دارد ازتاریخی که وارد شده ۱۰ سال ۱۵ سال یا ۲۰ سال افرادی هستند که بتمام معنی صاحب صحت عمل و صاحب ایمان مشغول بخدمت خلق خداهستند واشخاصی هستند که تاپا کنده دفعه بمحکمه اداری رفته چند دفعه بدیوان کیفر رفته چند دفعه توبیخ شده است اینها را بیرون بکنید یک کسی گفت دزدسند نمیدهد گفتم اگر اوراقی ازپرونده ها دزدیده شده باشد آنکه اهل کاراست جاهای یارامیگیرد وآنرا پیدامی کند آنکه دزدی میکند سند نمیدهد صحیح است اما اثر وجای پایش باقی می‌ماند دزدش رامیبرند پیدامیکنند همه جا همینطور است آنوقت اینرا بگذارید جلویش در ستون ملاحظات بگوئید که تو این تخلفات را کرده‌ای که اگر پس فردا آمد گفت چه شده نامه عملش رادستش بدهید اما آنهای دیگر را هم بی‌نان نکنید این را ازده ماه قبل از یکسال قبل به آقای دکتر امینی مکرر صحبت کرده‌ام که بنشینید صحبت بکنید که برای ۵ سال خدمت ۱۰ سال خدمت یک سال حقوق دانقدیمدهیم بروید با آمریکائی ها صحبت بکنید بگوئید ۱۵۰ میلیون دلار بما بدهید تاعملکت را از آلوده کی پاک کنیم اینکارهارا بکنید ولی آن آقایانی که بقول خودشان میخواستند تصفیه کنند آمدند ۹۲۳ پرونده را درعرض ۱۰۳ دقیقه رأی دادند و گفتند آقا بند (ب) آقا بندج آخردر ۸ ثانیه مگر ممکن است یک پرونده را بررسی کرد اگر بخواهد یک آقائی صدا بزند میرزاعباس پیشخدمت برو وپرونده شوشتری راازکارگزینی بگیر و بیاور این خودش ۲۰ دقیقه طول میکشد اگر بخواهند یک شماری بکنند ۱۰ دقیقه طول میکشد آیا ممکن است در ۸ ثانیه بگوید که فلان آقا بندج یا بند (ب) است عدد اول الاختلاف این اول اختلاف است بعد کلیه هزار فامیل را درست کردند آقایانیکه میفرمایند هزار فامیل اگر مردی درایران پیدا شد توانست صدتا فامیل که درامور مداخله داشته باشند بشمردن حرف های خودم را پس میگیرم اینها را برای اختلاف درست کردند بندج بند الف بند ب را برای نفاق درست کردند که بین بنده وحشتی اختلاف بیندازند آقای سپهبد هدایت روز ۲۸ مرداد که آن نقل در خانه جناب آقای اورنگ زده شدمن دوساعت بظهر مانده وقتی آمدم ورفتم جلو به‌بینم چه خبر است دیدم سربازها میخواستند تیربیندازند آقای حشمتی آقای غلامرضا فولادرند و عده‌ای رسیدند و دیدند دیدما کر یک تیر اینجاحالی بشود مردم کشته میشوند یا کردن کج گفتم سربازهای عزیزم ما میگوئیم زنده بادشاه شاهچه میگوئید گفتند همین را ما هم میگوئیم سرشان را گرم کردم نگذاشتم تاریخ عوض بشود برای اینکه علاقه داشتم خدمت کردم این سؤالی که کردم راجع بحکمیت ها برای چیست؟ آقای دکتر امینی مجبور است صورت کلی راهم بدهد باز سؤال میکنم یک آقائی که درهمین صورت جزئی بهارفقر حکمیت گرفته است بیش ازسی فقره دیگرهم گرفته است این حق ندارد نسبت دزدی بمردم بدهد اصلاحات بایداز طرف شخص صالح بشود کسی میتواند خرما خوردن رامنع کند که خود خرما نخورده باشد این آقامی می‌آید بالباس حق بجانب که آقا سپهبد دزداست و کیل دزداست سناتوردزد است وزیردزداست فقط آسمان سوراخ شده است و آقای پاک تشریف آورده اند پائین حالا جناب آقای دکتر امینی جناب آقای عبدالله انتظام من بشما سریعاً عرض میکنم اگر برنامه سپهبدزاهدی قسمتهای مقدمش صحیح بود که من آنرا صحیح میدانم البته واردآن مقدمه نمیشوم من محال ومتنع است ازفکر خودم سرفنظر بکنم مگر اینکه آقای علاء ازاروپا بیاید چون من ازعقب خنجر نمیترسم من باشرفتر از این حرفها هستم شاید من اشتباه کرده باشم ایشان ازاروپا بیاید بگوید توبه کردم و کرنه من سوء ظن از سیاست مرموزدارم یکه سه‌تای ازروژسای بازارپیش من بودند می بینم ایجاد اختلاف شروع میشود روی حرفهای نا پخته من و شما ممکن است اختلاف تولید کنند درشهرستانها صورت دیگر پیدا میشود بیدار باشید چطور میشود من پست ثابت را محور اصل رانطبق مملکت راول کنم؟ آنقدر شعور ندارم که شاهنشاه که قطب مملکت است اوراول کنم وپست متزلزل بچسبم هیچکس هیچوبیشعوری نمیکند پس اختلاف نظر اختلاف سلیقه یاسوء ظن پیدا کردن من روی اصلاحات است هروزیری که راجع به اصلاحات حوزه انتخابیه ام مرا کمک کند دستش رامی بوسم من میخواهم خط آهن بندرشاه بگرگان متصل شودمن میخواهم آنجا آبش درست بشود من می‌خواهم آنجا برقی داشته باشد من از

این چیزها میخواهم هروقت آمدم پیش هرویزر و گفتم فلان کاررا برای شخص من بکن بلاتامل اگر راست میگوید اگر خدمتگذار است بیاید پشت تریبون بگوید این دکتر نصر بامن دروزارت کشور بوده است همکار بودیم آقادر وزارت کشور هیچوقت دیدید من به‌امور شخصی بپردازم من وارد این امور نیستم من شاهم رادوست دارم من بیعت به پادشاه کرده‌ام من میترسم که یاروی نادانی یاروی سست عنصری یاروی غرض ورزی یا روی تحت تاثیر واقع شدن عمروزیدیاروی اینکه بی‌جهة افرادی مثل من را عصبانی کردن باستبضاح بربخورد وهمین بضرر مملکت تمام بشود آنهم درموقعی که مملکت باید استفاده کند ما بایدپول بگیریم ما که برای پرداخت حقوق کارمندانمان معطلیم ما ناچاریم وگرنه ایرانی دست گدائی نزد کسی دراز نمیکند برای اینکه منافع ما بامنافع دنیا مخلوط شده است برای اینکه ماجزئی هستیم ازاجزاءدنیا برای اینکه ما پیرامون صلح میگردیم پیرامون صلح واقعی صلح با شرافت صلحی میخواهیم که تمام انباء بشر از سیاه وسفیدزیر علم آن صلح واقعاً مرفه باشند نه بدروغ که باسم صلح بخواهد عالم زیر استثمار واستعمار سرخ برود

رئیس- وقت شد آقای شوشتری تمام شد

شوشتری - بای نحوامکان من خانه میدهم بعرایض خودم من نسبت به نفر عرایضی کردم گفتم که بداندمن سوءظنی که پیدا کردم بلکه علم پیدا کردم می گویم قضیت حکمت به‌اینکه اینطور از سپهبدیزدان پناه که گوشت وپوستش ازمرحوم رضاشاه است ازنوه مرحوم میرزا عمو کتیبه‌نویس پسندیده نبود این تلگرافات واین صورت مجلس است اینها پسندیده نبود بیاید استغفارکند توبه کند من ول کنم و کرنه من درمخالفت خودباقی هستم والبته برای احترام فرمان مبارک شاهنشاه رأی کبود نمیدهم (احسنت) ولی رأی ممتنع میدهم برای اینکه عرض کردم در مقدمه عرضم درمبحث امرونهی ودراجتماع چندین امربشکی ونهی از ضدور آنجاعرض کردم از اینجهة بعرایض خود خاتمه میدهم به‌بینیدمطالب زیادی نوشته‌ام خیال میکردم اجازه میدهید سه چهار ساعت صحبت کنم وحقایق را عرض کنم حالا که موافقت نمیفرمائید. منهم میروم امیدوارم خداوند متعال خیرو برکت برای مملکت ما فراهم و تقدیر فرماید وشماهاهم موفق بخدمت بشوید

رئیس- بنده مکرر گفتم ملاک صحبت وبیانات نمایندگان صورت مذاکرات مجلس است نه مندرجات جرائد (صحیح است) ولی نسبت به‌رادیو که در دست دولت است البته کفیل آقای نخست وزیر دستور خواهند داد نطق نمایندگان را بدون کوچکترین تعریف منتشر کنند (فنات آبادی- بنابراین دستور بفرمائید که نطق بندهرا منتشر بکنند) گفتم نمایندگان شما هم جزو نمایندگان هستید آقای دکتر میدامامی بفرمائید

دکتر سید امامی- چون وقت گذشته بنده سعی میکنم که خیلی مختصر صحبت کنم و آقایان را بیش از این خسته نکنم بنده بعنوان موافق مشروط اسم نوشته‌ام اگر دولت فعلی بگفته های خود عمل بکند و آنچه در مقدمه ومتن برنامه خودقید نموده است اجراء نماید بنده صددرصد پشتیبان دولت خواهم بود.

بهبود وضع مردم و آسایش طبقات زحمتکش هدف همه نمایندگان میباشد بالا بردن سطح فرهنگ و بهداشت و مبارزه بافساد و نادرستی و دزدی ورشوه‌خواری و اجرای قانون آمال وآرزوی همه‌ماست مطلبی که بدواً خواستم تذکر بدهم راجع بعدم نظم و انضباط در ادارات است وبکی از قدم های اساسی که بایددولت بردارد تصفیه و اصلاح ادارات است مردم فوق العاده از این وضع ناراضی هستند ۸۵ درصد بودجه مملکت که حقاً بایستی صرف بهداشت و فرهنگ و سایر احتیاجات مردم بشود صرف اعضای ادارات میشود و آن وقت این اعضای ادارات عوض اینکه خودشان را خادم بدانند وکار مردم را رسیدگی بکنند و بسرعت بیندازند کارشکنی میکنند اشکالتراشی میکنند خشن هستند وباندازه‌ای بدعمل میکنند که چندوقت است که آقایان میبینند که اطلاعات تلفن که مؤدب صحبت میکنند آدم خوشوقت است که اصلا بآدم جواب حسابی میدهند یک حرف خوش از یک تلفن آدم را خوشوقت میکند آقایان سروکارشان بادارات افتاده است میدانند که این وضع مناسب این مملکت نیست این مردم بدبخت این پول رامیدهند واین مردم شما را انتخاب کرده‌اند که بکار - هایشان برسید شما بهر اداره‌ای رفته‌اید بغیر از اینکه اشکالتراشی بکنند کاری نمیکنند میروید ورقه مالکیت بگیرید اشکال میکنند میخواهید بروید یک ساختمان بکنید یک نقشه ساختمان میخواهید بگیرید اشکال میکنند الان بنده مبتلا هستم یکماه است که میخواهم ساختمان بکنم نقشه نمیدهند شما برای یکنفر ابلاغ صادر میکنند میرود ابلاغ خودش را بگیرد بهش نمیدهند چرا خدا شاهد است همه اینها فقط وفقط برای سوءاستفاده است آقایان بخدا حرف وزیر ومدیر کل ورئیس اداره همه هیچگونه تأثیری ندارد تنها باید بروید باخود عضو طرف بشوید اگر سبیل اورا چرب کردید که خوب والامدیر کل ووزیر کوچکترین تأثیری ندارند در ادارات. این وضعیت باید درست بشود این نارضایتیها که ایجاد شده در نتیجه همین عمل ومربوط بعدم انجام وظیفه کارمندان ادارات است بنده یک مثال کوچک عرض کنم که مربوط بخود بنده است بنده دو پسردارم که در آلمان تحصیل میکنند اینها دردوره تعطیلات بایران میایند تابستان گذشته اینجا بودند بنده خواستم برای اینها اجازه خروج بگیرم چون میدانستم که اداره تعلیمات عالیه وزارت فرهنگ باید اجازه بدهد آنجا مراجعه کردم اداره تعلیمات نوشت که خودشان را بیاورید اینجا بنده چون فردایش مجلس بود رفتم آنجا دوروز تمام طول کشید تا دوسیه اینها پیدا شد وجناب آقای رئیس مجلس هم بنده را جریمه فرمودند که غایب بودم خواهش میکنم جناب آقای دکتر مهران توجه بفرمائید ازآنجایک نامه‌ای نوشتند باداره شهربانی گفتند باید پروی سر کلانتری تا تصدیق بکند گفتم آقا اینها دفعه اول نیست که میروند اروپا گفتند که خیر اینها باید بروند ازنظام وظیفه ورقه بگیرند گفتم آقا اینها ۱۵ و ۱۶ سال دارند اینها سن مشمولیت نظام وظیفه را ندارند بالاخره بعد اززحمت زیاد راضی شدند که فرمانیه کلانتری را خودشان انجام بدهند با وجود این چهارروز تمام طول کشید که تا ویزای خروج انجام شد حالا بنده که وکیل هستم متنفذ هستم (یکی ازنمایندگان- آقا خیلی زود گرفته اید) طبیب معروفی هستم وطبیب مورد اعتماد شهربانی هستم که با تصدیق بنده تذکره میدهند اگر یک آدم بدبخت بیچاره‌ای باشد که دستش بهیچ جا نمیرسد واطاق رئیس راهش نمیدهند چه میکند؟ (بعضی ازنمایندگان- درچهارماه هم نمیتواند بگیرد) عرض کنم رئیس شهربانی بسیارآدم پاکی است ولی وضعیت ادارات طوری خراب است طوری زنگ زده است که گمان نمیکنم بوی خیری ازآنها بیاید ومن معجزی از این امامزاده نمی‌بینم (دکتر عدل- عجب موافقی هستید؟) من موافق هستم ولی موافق مشروط اسم نوشتم برای اینکه بیایم عرایضم رابکنم بنده ضمن اینکه موافق نوشته‌ام مطالبی دارم که لازم میدانم عرض کنم حقیقة این آقایانی که انتخاب شده اندهمان- طوری که گفته شده است ازاشخاصی هستند که واقعاً شریفند یا کند وامید واری هست که باین مملکت خدمت بکنند اما بایستی طوری باشد که این خدمت اینها منتج به- نتیجه بشود بهر حال بنده وارد این این موضوع نمیشوم که این تصفیه‌ای که میخواهند بکنند واین اشخاصی را که بنام تصفیه میخواهند خارج کنند تا حق است یا حق است بنده عرضم این است که اگر اینها دزد هستند باید اینها را بمحاکمه بکشند یک شهردار بیرون میکند یک شهردار دیگر میاید اینها را با رتبه بالاتر استخدام میکند وحقوق انتظار خدمت را هم به آنها میدهند اگر واقعاً دزدهستند و خیانت کرده اند باید قطعاً مجازت بشوند دوست اینها را برای همیشه از ادارات کوتاه بکنید ویک کاری بکنید که باوضع مملکت عبرت باشد برای مردم بدانند که همیشه یک مجازاتی برای این اشخاص هست این نارضایتی طبقات طوری است که منحصر بیک دسته نیست همه ناراضی هستند ما الان وکیل یاوزیر هستیم متنفذ هستیم همه ناراضی هستیم آقا این مملکت نمیشود که طبقه اول ناراضی طبقه سوم ناراضی طبقه متوسط ناراضی آخر زندگی در این مملکت محال شده اینطور زندگی نمیشود باید یک جوری باشد که تمام مردم آسایش داشته باشند راضی باشند که بتوانند دراین مملکت زندگی کنند باید اجتماع راطوری مطابق مطلوب بکنیم که همه راضی بشوند طبقه سوم راحت باشند طبقه اول هم راحت باشند آقا مملکت ما مملکتی است که بهیچوجه گمونیستی راقبول ندارد (صحیح است) مملکتی که مملکت اسلام است (صحیح است) مملکتی که شاه پرست است مملکتی که نژاد صحیح دارد گمونیستی را قبول نمیکند اما گمونیسم آقا در نتیجه نا رضایتی تولید میشود گمونیسم را بازجر و شکنجه وحبس وتوپ نمیشود ازبین برد ما باید محیط را آماده کنیم برای آسایش مردم مبارزه با گمونیسم بارفع نا رضایتی مردم انجام میشود باسرنیزه نمیشود شما تمام مردم ایران را نصفش را حبس بکنید فایده ندارد شما باید باناراضایتی مردم مبارزه کنید با گمونیسم همانطور باید رفتار کرد که در تمام ممالک مترقی میکنند موضوع دومی که میخواهم عرض کنم موضوع مالیات است در درایران مالیات ازهمه جا کمتر گرفته نمیشود درخارج همه آقایان مسبوق هستند که مالیات خیلی زیاد داده میشود حتی ۹۰ در صد درامریکا ۹۵ درصد عایدی مردم بمالیات میرسد برای چه باکمال دلخوشی مردم مالیات میدهند چون مالیات خرج آن ملت میشود درایران اگر مردم میدانند مالیات بدهند برای این است که میبینند آن پولیکه بدولت میدهند خرج خودشان نمیشود یعنی باصطلاح اوطی خور میشود بمصرف اعضای ادارات میرسد این پولی که باید بمصرف بهداشت و فرهنگ ومسکن وجاده وراحتی اینها برسد صرف کارهای غیرضروری میشود یکی دیگر طرز وصول مالیات درایران فوق العاده بد است درایران ما بایدیک کاری بکنیم تماس مردم را بااعضای ادارات کم بکنیم وباید اشخاص منزه ویاک را توی ادارات بگذاریم این آقایان وزرا که اینجا نشسته‌اند مخصوصاً جناب آقای دکتر امینی که همه ایمان کامل بایشان داریم وهیچگونه نسبت سوء بایشان نمیشود دادو بنده کمال بی انصافی میدانم. بااینکه بجناب آقای حائری زاده کمال ارادت را دارم وایشان را آدم منصفی میدانم اما این حرفیکه ایشان زدند واردنبودلجن مال کردن. خائن قلمداد کردن مردم را

اعضای یکگانه شدن این خانه بلین مملکت است این موافق برنامه و مرام کنونی مجلس محترم است آقا بالاخره یک عده‌ای برای این مملکت خدمت کرده‌اند و میخواهند بکنند این یکی از انحطاطهای اخلاقی ماست که در این کشور پیدا شده است و بجان هم افتاده‌ایم در جراید در مجلس در خارج همه یکدیگر را لعن و گمال میکنیم آن وقت آقا بیکانه به عور بنا نگاه میکنند و گیله‌ن وزرا و زرمان دزد آقا این صحیح نیست هر کس یک شخصیتی دارد و کیل یک وظایفی دارد اگر صدماش متهم کردن باشد جقیده من غلط است و این را بنده فوق العاده بد میدانم این صحبتها را هیچوقت مجاز نمیدانم باید اشخاصی که دامن هست بکمر میزنند اگر هم پشتیبانشان نیستید دیگر خرابشان نکنید بنده از آقای دکتر امینی هیچوقت هیچگونه توقعی و خواهشی نداشته‌ام فقط یک مرتبه یک خواهش بسیار کوچکی از ایشان کردم آقا هم انجام ندادند ولی این دلیل نیست که ایشان را بدنام بگنیم آقا در کار خودشان فوق العاده وارد و سخت هستند و یکی از محسنات ایشان است اگر تمام وزرا در کار خودشان ثابت باشند و کیل و هیچکس جرات نمیکند توقع بی جا از او بکند ما باید وزیری که در کار خودش محکم است او را حمایت بکنیم صحبت از وصول مالیات بود وصول مالیات فوق العاده بد انجام میشود گفتم آقای دکتر امینی یا گفتند آقایان وزرا یا گفتند ولی ادارات پاک نیستند این ادارات آلوده است اعضای ناپاک آن جا هستند بنده دیروز یا چند نفر از تجار صحبت میکردم خیلی خوشوقت شدم از اینکه شنیدم که در وزارت دارائی اشخاصی هستند که باید بآن‌ها کمک بشود یکی از آقایانی که بنده ایشان را نمی شناسم نمیدانستم دیروز اسم بردند آقای ضرابی است رئیس بازرسی مالیات بر درآمد آدم فوق العاده پاکی است بنده نمیدانستم دیروز از تجار شنیدم اینجور اشخاص را باید تشویق کرد باید از آن ها حمایت کرد و بآن‌ها کمک کرد یعنی همانطور که دزدها و رشوه گیرها را باید در شان از ادارات کوتاه کرد باید باین طبقه کمک کرد باور بفرمائید پاک‌ترین اشخاص را این محیط آلوده میکند بنده هیچوقت حاضر نیستم رشوه بدهم ولی وقتی می‌بینم یک اداره‌ای بمن سخت گیری میکند بکارم رسیدگی نمیکند مجبورم از راه رشوه وارد شوم پس رشوه دادن و رشوه گرفتن یک ترتیبی شده است گرچه ما خودمان نمیخواهیم به اعضای ادارات رشوه بدهیم اما یک عواملی هست که ما را وادار میکند برشوه دادن هر امریکا یک طوری عمل میکنند که تا اندازه‌ای رشوه کمتر است مثلا آنهائی که سوار اتوبوس میشوند یک فلکی در دسترس است پول که انداختید فلک صدائی میکند یک نمره رویش می‌افتد پول را هم مجبورند که خودشان بیندازند اگر پول خرد ندارند باید بدهند آن بلیط فروش پول خرد بگیرند و خودشان بیندازند و از روی این شمارش هم حساب میکنند که چقدر پول جمع شده. اغلب آنجا پل‌ها و تونل ها بوسیله شرکت های بزرگ ساخته شده است که بتدریج از مردم پولی میگیرند و استهلاک میکنند مثلا اتومبیل سیاه از پل رد میشود یک سیمی از سمت جاده بیرون آمده است این اتومبیل میخورد بسیم و یک کنتری آنجا هست که نمره میافتد بآن ترتیب پول وصول میشود ما هم میخواهیم یک مالیاتی وصول کنیم اشخاص مخصوص میآید بازرس می آید مقدمات رسیدگی را طوری درست میکنیم که باز بدست آن اعضای ادارات است این مالیاتی که از مردم میگیرند وامیدوارم که بالاخره یک ترتیبی اتخاذ کنید که مالیات منصفانه‌ای از این ملت بگیرند و صرف این ملت بشود و بیهوده تلف نشود باید یک طوری باشد که مالیات گرفته شود حالا شما ملاحظه بفرمائید این مغازه‌داران اسلامبول و لاله‌زار حالا بنده نمی‌خواهم اسم ببرم چه اجحافی میکنند چقدر آنها استفاده میکنند در مقابلش چقدر مالیات میدهند بروید بدفتر مالیات بر درآمد رجوع کنید ببینید اینها چه میدهند آقا میدانید در طهران تمام زمین و مستغلات متعلق باین آجیل فروش‌ها و شیرینی فروش هاست آخر چطور میشود آدم دو سال آجیل فروش باشد و دارای آنقدر زمین بشود یک حساب خیلی ساده شما شیرینی میخرید قنادی درجه اول شیرینی را میفروشد کیلوئی ۵ تومان یا شش تومان این شیرینی را میدانید قیمتش چیست؟ قند و شکر را بقیمت آزاد کیلوئی ۲۲ قران میدهند یک کیلو آرد هم همان قیمتهاست آنوقت یک کیلو شرینی را میفروشد ۵ تومان یا بیشتر یکی نیست بگوید شکر اگر کیلوئی ۲۲ قران و آرد هم کیلوئی ۲۲ قران است شیرینی را چرا کیلوئی ۵ تومان میفروشی همینطور قیمت میوه‌جات است واقعاً جای تعجب است الان در اینجا سیب کیلوئی ۷ تومان است ممالک خارجه را بنده مثال میزنم سوئیس میوه ندارد میوه‌های مهمش از خارج میآید در آنجا سیب کیلوئی یک فرانک سویس است یعنی ۳ تومان ولی در ایران که مرکز میوه است و آفتاب هست و زمین هست ۷ تومان این که عرض کردم یک فرانک است بازار فعلی و الا اگر ارزازرزان باشد که یک تومان ۱۲ قران است بالاخره وضع کار در این مملکت طوری شده است که این سرمایه در یکجا متمرکز میشود یک عده‌ای متمول میشوند آن عده‌ای که باصطلاح نورویش میگویند و تازه بدوران رسیده‌ها هستند و این تمرکز سرمایه پیدا میشود و همین تمرکز سرمایه است که مملکت را بکوبنیم سوق میدهد و همین مبارزه‌ای است که در تمام دنیا روی این هست و بنده معتقد هستم که همانطور یکه اعلیحضرت همایونی همیشه فرموده‌اند باید تعادل اجتماعی در این مملکت برقرار شود تا تعادل اجتماعی نباشد اوضاع همینطور است مردم بیچاره‌اند مالک بدنام است حالا این را بنده برای خوش آمد مالک کثیف نمیگویم یک مالکی چند قطعه زمین دارد در خانه‌اش باز است ده بیست نفر از اولان میشود ندهمه‌اش حمله بآن مالک است ولی فلان کالباس فروش که در عرض مدت یک سال یا ۱۰ میوه فروش که در عرض مدت ۲ سال دارای ملک زیادی میشود اورا نمیبینند همه‌اش چسبیده‌اند چشمشان را دوخته‌اند بچند نفر مالک یا یک چند نفر تاجر بزرگ یا یک چند نفر که فرض کنید دارای یک مختصر ملکی شده‌اند این غلط است شما درست فکر کنید که این سرمایه در کجا جمع شده و علل بدبختی در کجاست و بآن توجه کنید و با آن مبارزه کنید والا همه‌اش بمالک بچسبید صحیح نیست.

موضوع سوم که بنده میخواهم عرض کنم موضوع قاچاق است یکی از آن مسائلی که حتماً باید مورد نظر و توجه دولت باشد قاچاق است این قاچاق حقیقتاً چیز عجیبی است آقایان لابد یک عده زیادشان برای عید بجنوب تشریف برده‌اند و در آنجا دیده‌اند که اجناس قاچاق توی مغازه های آنجا براست مثلا شنیدم چای که اینجا کیلوئی چهل تومان است در آنجا ۱۵ تومان است اجناس لوکس فروان است آخر این واضح است که بطور قاچاق آمده است یک مقدار اجناس هستند که اینها ممنوع هستند باید باین مملکت وارد نشوند آن وقت شاهمین اجناس را هرچه بخواهید در خیابان لاله‌زار و اسلامبول میخرید آخر این مضحک است آخر اینرا از کجا آورده‌اند در مقابل شهربانی و دولت حتی خود آقای دکتر امینی هم ممکن است از آن اجناس بخرد خیلی عجیب است این قاچاق با ازراه گمرک وارد میشود یا ازراه غیر گمرک ازراه گمرک که بنده باید صریحاً عرض کنم که گمرک یکی از آن ادارات آلوده است باوجود اینکه رئیس گمرک یکی از اشخاص پاک است من نمیدانم این چیز عجیبی است تمام آنجاهائی که دزدی میشود رؤسایشان یا کنده‌اند من نمیدانم اینها آدم های (معذرت میخواهم) بی عرضه‌ای هستند این آقای آبتین در کار خودش آدم پاک و درستی است کار خودش مرتب است و آدم خیری است برای مسلولین هم کمک کرده است ۱۰ هزار قسمت بهداشت هم باید اقدامات اساسی بشود من رفتم این بیمارستان حمایت مسلولین حظ کردم واقعاً یک عده‌ای هستند که خیر میباشند و آنجا یک کمک‌هائی کرده‌اند والبته اشخاصی باید تشویق بشوند در کار خودشان همدرستند ولی آقا این قاچاق باید جلوگیری بشود چون این قاچاق از هر حیث مضر رمهی بدولت دارد یکی اینکه پولی که باید بگمرک بدهند و بودجه دولت است از بین میرود یک عده‌ای از این پولها منتفع میشوند بدون اینکه استفاده‌ای باین مملکت برسد پس در درجه دوم تقاضای بنده از این دولتی که میخواهد مبارزه با فساد کند و وزارتی بکند یکی جلوگیری از این قاچاق است که حتماً بایستی اقدام شود. بنده مراجع برنامه دولت که گویا مهمترین هفتخان مبارزه با فساد و رشوه خواری است حرفی نمیزنم همانطور که گفتم این آمال تمام و کلاست و در این مورد ما پشتیبان شما خواهیم بود و بشما اطمینان هم داریم و امید واریم که این قدم راخیلی محکم بردارید و سستی بخودتان راه ندهید در این مملکت اگر یا دزدی و رشوه خواری مبارزه نشود هیچ کاری پیشرفت نخواهد کرد و اولین قدم مهم در اصلاحات مملکت مبارزه بادزدی است این نمیشود یک مملکتی که در تمام کارهای حساسش دزدها نشسته‌اند و رشوه خوارها باشند این مملکت پیشرفت بکند شما اگر یک اسفالتی در اختیار یک عده‌ای بگذارید و آنها بدوست داشته باشند این اسفالت برای شما اسفالت نخواهد بود و همانطور یکه دیده‌ایم بعد از چند ماه خراب میشود و پول این ملت بدبخت که با این زحمت با این ذلت بدست میآید حیف و میل میشود این صحیح نیست پس در این هدف اولین مبارزهٔ دولت همانطور که خودشان قید کرده‌اند باید مبارزه بادزدی باشد ما هم پشتیبان کاملشان خواهیم بود و آقا شما میدانید که بطور کلی و کلا همیشه همراه وزراء صادق بوده‌اند آقای ابوالحسن ابتهاج که مدیر عامل سازمان برنامه هستند و بنده یکسال تمام در کمیسیون برنامه با ایشان همکاری داشته‌ام و میدیدم که با همه حرارتی راجع باین برنامه مذاکرات میکنند کمیسیون برنامه اعضایش باوجود اینکه عده مخالف دولت بودند مخالف میل ایشان بودند چون میدیدند که این آدم صدیقی است درستی است میخواهد برای مملکت خدمت کند همه بدین جهت هم آهنگ بودند در آن کمیسیون برنامه و همه بایشان کمک میکردند همینطور آقایان وزراء اگر مطابق مصلحت مملکت رفتار کنند ما بهشان اعتماد داریم و پشتیبانشان هستیم موضوعی که در برنامهٔ دولت مطرح بود یکی بهداشت بود یکی فرهنگ که مخصوصاً از این دو قسمت اسم برده بودند و انصافاً اساس برنامه و پیشرفت هر مملکتی مربوط بفرهنگ و بهداشت است متأسفانه باید عرض کنم که باین دو قسمت کمتر از همه چیز توجه شده است حالا بنده وارد فرهنگ نمیشوم چون وقت یکقدری کم است اما در قسمت بهداشت چون مربوط بکار خودم

است بنده میخواهم قبلا عرض کنم که بنده قصد حمله بهیچکس ندارم بجناب آقای دکتر صالح ارادت دارم و ارشار از یک عنصر صالح و مرد عمل میدانم (جمعی از نمایندگان - همه دارند) ولی یک دردهائی است که باید گفته شود و اصلاح و مشخص گردد بهداری ما بطور غیر قابل تصور خراب است ما در واقع از بهداری فقط یک اسمی داریم یک وقتی آقای دکتر اقبال وزیر بهداری بودند یک حرف بسیار خوبی زدند گفتند اگر در این وزارت بهداری را ببندند کوچکترین تأثیری در بهداشت مردم ندارد (دکتر عدل - تمام ادارات اینطور است) بنده خیلی خوش وقت میشدم که جناب آقای دکتر صالح هم این حرف را بزنند و اگر این حرف را نمیزنند این وزارتخانه را اصلاح بکنند این بیمارستان ها وضعشان خوب نیست حتماً آقایان تصادف کرده مریضی داشته‌اند کلفت و یا نوکر آنها مریض بوده‌اند خوب آقایان اگر مریض باشند تلفن میکنند طبیب درجه اول میاید صد تومان میدهند و درد شما را رفع میکند ولی آن کلفت و نوکر چیزی ندارد آیا میتوانید شما این را در یک مریضخانه ای جا بدهید بنده خودم الان گرفتار هستم و با اینکه معاون وزارت بهداری بودم و طبیب هستم چند روز است که دعوا دارم سر یک مریض و نمیتوانم او را در یک مریضخانه جا بدهم این را هم باید بگویم که درست است که در این مملکت باندازهٔ کافی تخت نیست و تشکیلات ناقص است الان اگر از روی حساب بخواهیم چون همه چیز را باید از روی حساب و منطق صحبت کرد مطابق حساب برای هر صد نفر یک تختخواب لازم است و اگر مملکت ایران را در حدود ۲۰ میلیون جمعیت حساب بگنیم در حدود بیست هزار تختخواب میخواهد ولی بنده امروز از آقای دکتر صالح پرسیدم که مجموع تختخوابهائی که در طهران هست که در حدود یک میلیون جمعیت دارد چند تا است فرمودند دو سه هزار تختخواب است با دو هزار تختخواب چه جور میشود جواب چند میلیون جمعیت را داد چون حمله همه اش بطهران است بدبختها و مریض ها خودشان را بطهران میرسانند و در طهران جا پیدا نمیکنند چقدر مردم چقدر نفوس از بی جائی از بی تختخوابی تلف میشوند جناب آقای دکتر صالح در ایام عید در رامسر تشریف داشتند من هم در آنجا بودم یک قضیه فوق العاده تأثر آوری آنجا شنیدم که واقعاً متأثر شدم یک زن سامله‌ای در یکی از دهات نزدیک شهسوار وضع حمل میکند بچه میآید معلوم میشود بچه دیگری در رحمش باقی است اورا میبرند بشهسوار میگویند که وسیله نیست در اینجا قسمت زایمان نداریم بعد اسم اسو میبرند حالت بدی بمن دست میدهد اگر بدانید چه کثافتکاری آنجا بود چه وضعی بود اینکه نمیشود شما یک کار خانه اجازه میدهید بیاید آب میوه درست کند لیمو ناد بسازد بالاخره باید وضع بهداشتش را رسیدگی کنید پس بهداری شهرداری برای چیست ما برای چه این ادارات را میخواهیم تمام جان این مردمی که این آبها را میخورند در خطر است تمام اینها بادست پر میشود چند تا شیشه آنجا گذاشته اند رویش هم مسلوم است از خارج آورده اند عصارهٔ نباتات استوبک تصدیق بزرگی هم گرفته‌اند که این آب بی آلایش و این است در صورتیکه از لوله میآید دوارد یک فیلتر کوچکی میشود از آن فیلتر وارد منبع میشود از آن آب استفاده میکنند آیا آن فیلتر کافی است برای تصفیه آن آب؟ آبامهمه روز از طرف اداره بهداری شهرداری رسیدگی میکنند و می بینند که آلودگی ندارد؟ اینها تمام با دست انجام میشود اسمش کارخانه است با ملاقه میریزند توی یک ظرفی بعد شکر میریزند و آن آب را بهم میزنند توی و بطری می ریزند و آنوقت میدانید این آب که در بطری میماند چه خطری دارد آب آب انبار بمراتب از آن بهتر است و پاک‌تر است آبی که اینطور بماند بکلی آلوده میشود اینها را باید درست کرد اینها را باید رسیدگی کرد موضوعی که بنده ضمناً می خواستم تذکر بدهم موضوعی است که راجع بآن طرحی هم از طرف آقایان نمایندگان محترم تهیه شده است راجع به زمین هاست و احتکار زمین این یکی از آن چیزهائی است که باید حتماً مورد رسیدگی قرار بگیرد (صحیح است) بالاخره باید بیایند بنشینند حتی از وکلای مجلس چند نفری هم از ادارات بیایند بنشینند رسیدگی کنند ببینند کی با بندوبست یا غفلت با دزدی رفته است آن زمین هارا متصرف کرده است (شوشتری - سیصد میلیون تراست) ولی بنده با ارادتی که به آقای دکتر جزایری و سایر رفقا داشتم طرح دادن را باین ترتیب صلاح نمیدانیم ما یک رفیقی داشتیم این از تبریز میخواست و کیل شود میخواست موکلین خودش را بشمرد میگفت از اینجا تا آنجا من هزار نفر موکل دارم اینکه در طرح قید میشود از طهران تا کرج بیائید بقیمت فلان سال برای دولت بخریده ما اینجا که نشسته‌ایم حافظ قانون هستیم ما بایستی قانون اساسی را متزلزل نکنیم ما باید مالکیت را متزلزل نکنیم (دکتر جزایری - مالکیت متزلزل نمیشود) بدون فکر بدون تأمل یک هیجو طرحی را بمجلس دادن این صلاح و کیل نیست من عرض کردم بنده حامی آقایان هستم همانطور که عرض کردم مخالف دزدی هستم مخالف این اشخاصی که آمده‌اند زمین ما را غصب کرده‌اند واحتکار کرده‌اند هستم (دکتر جزایری - این اراضی موات است مال کسی نیست) در اجرای همین مالیاتی که برای زمین گذاشته‌اند میخواستم که جناب آقای دکتر امینی مسبوق باشند صدی بیست مالیات گذاشته‌اند عرض کردم کارهای دولت و مخصوصاً مالیاتش بیشتر مثل اینکه شوخی است بنده در محکمه نشسته‌ام یک دفعه میبینم یک قبض مالیاتی می آورند که ده هزار تومان مالیات بدهید بنده خیلی مالیات بدم باهم سالی سیصد چهار صد تومان آخر این ها مردم را وادار می کند بدروغگوئی و رشوه دادن میگویم اگر ده هزار تومان صحت دارد بگیرید اگر ندارد چرا می نویسید چرا وزارت خانه را دروغگو میکنید چرا مردم را دروغگو قلمداد می کنید بنده حاضرم سالی ۸۰۰ تومان بدهم ولی با مأمورین مالیات طرف نشوم ببینید این طبیب درظرف سال چقدر باید بدهد حساب کنید از او بگیرید آن طبیب هم باکمال میل میدهد با این ترتیب هم طبیب از کار محکمه‌اش نمیماند میرود آنجا تملق و چاپلوسی میکند این طرز کار غلط است همینطور از زمین، اگر میخواهید مالیات بگیرید راههای بهتری است که هیچ جور تخلف نمیتوانند بکنند خدمت آقایان عرض کنم بیائید روی مترمالیات بگذارید ذرع و مترا را هیچ جوری نمیشود تغییر داد روی مترمالیات بگذارید و رسیدگی بکنید بگوئید هر متر درشهر آنقدر در حومه آنقدر ولی این مالیات با طرز فعلی و اینجور کمیگیرند بیشتر ضرر میشود بروید ببینید که واقعاً چه چیزی صلاح است وچه جور ممکن است از آنها مالیات بگیرند که تماس مردم با اعضاء ادارات کم باشد از هر متر این قدر مالیات بگیرید و یک کسی که زمینش را میفروشد موظف باشد مطابق متری که معلوم شده است بدهد نه اینکه صدی بیست معلوم کنید و بعد همین صدی بیست راهم خودشان بخورند و نگذارند چیزی عاید دولت شود این صاحبان معضر خودشان راهش را پیدا میکنند و بهمان قیمتی که خریدند میفروشند و مالیات نمیدهند بیائید بنشینید یک فکر اساسی بکنید برای طهران یک مالیات معین کنید برای حومه یک مالیات معین کنید برای شهرستان ها عجالتاً که زمین مالیات لازم ندارد راههای دیگری هم است خیلی زیاد است مثل اینکه فکر ما هم زنگ زده است اگر فکر ما زنگ زده نباشد یکی از آقایان رفقای خودمان از اقتصادیون بزرگ خودمان چون بندهٔ نمیخواهم اسم ببرم موقعی که معامله کردند برای ارز دولت و ۴۰ میلیون تومان ضرر کردند ۴۰ میلیون تومان ضرر رسید بدولت گفتم آقا کمی حکایتی بود گفتم که این آقایان که اینکار را کردند آخر چکار باید کرد

گفت ما چیزان میکنیم گفتم چطور گفت سه هزار ودهشاهی بارز کالاهائیکه وارد میشود علاوه میکنیم وضرر چیزان میگردد خوب آقا این از جیب ملت میرود این ضرری است که خود ملت متحمل میشود آن شخص خیلی عالی مقام میگفت نه ماضرر نمیکنیم میگفتم روی آن که وارد میکنیم بالاخره ماین پول از کجا رفته بالاخره ازجیب این ملت بدبخت رفته این طریق فکرشان است این صحیح نیست • یکی از رفقا چون تذکر داده که خلاصه کنم مظالیم را بنده خانه میه هم وبنده یك مطالب خیلی بیشتری داشتم ولی چون می بینم که آقایان خسته هستند خاتمه میدهم (احسنت)

رئیس-پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است • قرائت میشود

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی در برنامهٔ دولت پیشنهاد کفایت مذاکرات میکنم تیمور تاش

رئیس- همین پیشنهادرا هم آقای ارباب کرده اند(تیمورتاش-اجازه میفرمائید) تأمل بفرمائید اگر بخواهند ازآقایان وزیران صحبت کنند البته باید قبل از کفایت مذاکرات باشد بعد از آنکه کفایت مذاکرات طرح شد ورأی گرفته شد دیگر صحبت میسر نیست

تیمورتاش- این برعکس است

رئیس-نخیر بایددفاعشان را بکنند که وقتی کفایت مذاکرات مطرح شد ورأی دادند دیگر نمیشود صحبت کرد آقای نایب نخست وزیر بفرمائید

نایب نخست وزیر ووزیر امور خارجه (انتظام) -صحبت هائی که آقایان تا بحال یا بعنوان مخالف یابعنوان موافق فرمودند موجب تشکر دولت است برای اینکه همه نظر اصلاح و نظر خدمت بمملکت را داشتند ولی دراصل دولت و موضوع برنامه چیز زیادی گفته نشد وبیشتر جنبه راهنمائی وارشاد برای ماداشت که البته باکمال میل توجه بفرمایشات آقایان داشتیم ولی یك موضوعی را که راجع باو صحبت شد راجع بشخص آقای نخست وزیر بود و چون خود ایشان اینجا تشریف ندارند این وظیفه برای بنده آسانتر شد برای اینکه اگر خود ایشان اینجا بودند بقدری ایشان شخص شریفی هستند که شاید این دفاع را نمیفرمودند(صحیح است)واین دفاع یعنی توضیحی که بعهدهٔ بنده واگذار شده شاید صلاحیت بنده در این قسمت بیشتر از سایر همکارانم باشد برای اینکه بنده سی و سه سال است که افتخار دوستی وهمکاری و مرئوس بودن آقای علاء رادارم واولین مأموریت بنده درسنی و سه سال پیش درخارج تحت ریاست جناب آقای علاء بود درشرافت ودوستی وصحت جناب آقای علاء کوچکترین تردیدرا اگر بکند حقایق اضافی کرده (صحیح است) ایشان شخصی هستند شریف (صحیح است) وطن پرست ودرمواقع مشکل هم همیشه ازخودشان منتهای جرات و شهامت را نشان داده اند (مرآت اسفندیاری- و باسواد) باسوادهم هستند مجرب هم هستند همان خدمت ایشان در شورای امنیت اگر تنها همان خدمت را بکشور ایران کرده بودند و پروندهٔ سیاسی خودشان را می بستند برای ایشان کافی بود (صحیح است) مسلماً هروقت که آقای علاء در کارهای کشور یك اقدامی کرده اند و تصمیمی گرفته اند ازروی وطن پرستی وشاهدوستی ووفاداری باین کشور بوده است و تمام اقداماتشان هم اصولی بوده است • یك موضوعی را که آقای شمس قنات آبادی گفتند که شاید ایشان آن قدرت او بنیه را نداشته باشند بایستی عرض کنم که این قدرت و شجاعت مسلماً در ایشان هست ولی اگر آن قدرت را از ایشان بخواهند بیرون وابنها باشند مادر این کابینه شاید احتیاج بیك همچو نخست وزیری نداشته باشیم (شمس قنات آبادی - قدرت را برایش اینجور تعبیر قائل نیستیم) بطوریکه در برنامهٔ دولت ذکر شده است یك قسمت از کارهای دولت سابق وسیاست دولت سابق را امام تعقیب خواهیم کرد • بعداز قضایای ۲۸ مرداد کشور مامثل کشوری بود که در آن یك زلزله ای اتفاق افتاده باشد وتمام خراب شده باشد دولت گذشته در ۱۸ ماه که کار کرد مثل کسی بود که این آجرها وخرابی ها و تپه هائی را که راههارا سد کرده بود از راه برداشت ، درواقع ایجاد حسن روابط با خارجه حل مسئله نفت و ایجاد امنیت در کشور ازسر راه برداشتن این مشکلات و درواقع همین تسطیح بعدازخرابی بود و دولت حاضر امیدوار است روی این زمین که صاف شده است شالوده های اساسی ساختمان های جدید کشور را بنا کند (نمایندگان - انشاءالله) وبهمین جهت چون ماخیال تظاهر نداریم برنامه مان راخیلی مختصر کردیم خوش ترمان میآید که یك روزی بیائیم بگوئیم خدمت آقایان که فلانکار را کردیم تاامروز که بگوئیم میخواهیم بکنیم ویك حرف های زیادتر ازقدرتمان بزنیم • یك موقعی بود که در کشورهای دنیاقدرت وعظمت را قدرت نظامی یاقدرت یك دسته های معینی میدانستند و این دورهٔ کشورگشائی وزورآزمائی بود آن دوره درتمام دنیا ازبین رفته است امروز هردولتی که افتخارخدمت پیدا میکند این است که سعادت افراد کشور را بالا برده باشد ما امیدوار هستیم که دراین راه منتهای کوشش خودمان را بخرج بدهیم که سعادت افرادرا بالا ببریم• (نمایندگان -انشاءالله) سعادت افراد شئون مختلف دارد اول شرط آن قسمت حیوانی بشر را بایستی تضمین کرد یعنی غذا بقدر کفایت داشته باشد بخورد لباس بقدر کفایت داشته باشد ویك خانه داشته باشد که زندگی بکند آن قسمت که برای بشر تا این شد آنوقت است که آن قسمت انسانی غلبه پیدا میکند یعنی فکر پیدا میشود و یك چیز هائی میخواهد که حیوان نمیخواهد • مرحله دوم بهداشت است که آن آدمی که نان داشت وخانه داشت بدنش هم سالم باشد ازآن مرحله هم که بگذرد مسئلهٔ فرهنگی و روحانی ومعنوی است ازاینها که گذشت و درست شد بایستی فکر واقعی زندگیش را کرد ما سعی میکنیم که درتمام این مسائل بموازات یکدیگر اول اقدامات خیلی ضروری وفوری را که جنبهٔ تعمیر دارد بجا بیاوریم بعد اقدامات ریشه دار اساسی را شروع بکنیم برای اینکه تا اقدامات ریشه دار واساسی در شئون مختلفه کشور نشود آن اقدامات فوری نتایج عمده ای نخواهند داد ونظر دولت ما هم این است که در آن مسائل اساسی که شایدشالوده ریزی برای چند سال باشد طوری نمیخواهیم باشد که خودمان بگوئیم بلکه آنها که بعداز ما میآیند اگر اعمال ما صحیح باشد دنبال بکنند وکشور را درواقع بطرف سعادت حقیقی سوق بدهند چون انجام این مطالب را ما درنظر داریم این دولت ودستگاه حاکمه ای که هست بایستی توانا ومجهز برای اینکار باشد بهمین جهت است که ماسرلوحه و هدف دولتمان را منزه ساختن و پاك کردن دستگاههای دولتی از فساد قرار دادیم (نمایندگان- انشاءالله) البته وقتی صحبت فسادرا میکنیم فساد تنها دردستگاه دولتی نیست فساد دراغلب شئون اجتماعی است ما اول میخواهیم آن دستگاه حاکمه را پاکیزه کنیم و بعد قدمهای اساسی را برای بالا بردن سطح اخلاق و ازبین بردن فساد در تمام دستگاههای کشور برداریم (صحیح است) وامیدواریم که موفقیت حاصل کنیم (انشاءالله) آقایان فرمایشاتی فرمودند که در این تغییروتبدیل ها می بایستی آنهائی که منحرف بوده اند تعقیب شوند البته این کار منظور اصلی دولت است منظور ما این نیست که یکنفر را فعلا ازکاربر کنار کنیم وبعد یك کس دیگری بیاید آنرا بردارد بیاورد ماسعی میکنیم آنهائی که بر کنار میکنیم اگر منحرف باشند مجازات کنیم برای اینکه نبودن مجازات است که باعث شده است که یك دسته ای تجری حاصل کرده اند یك دسته ای را بیرون کردند یك دستهٔ دیگری راجای آنها آوردند وبعدهم آنها منتظر بودند که یك دستهٔ دیگر بیایند آنهارا سر کار بیاورند ما میخواهیم اینها را بمجازات برسانیم که دیگر نیایند • چون برآمد آفتاب انبیا - گفت ای غش دورشو صافی یا - مامیخواهیم غش هارادور کنیم وصاف ها را وارد کنیم (شمس قنات آبادی- آفتاب انبیا این کار را میکند شما که انبیا نیستید) اولادشانهم میتوانند • یك بدبختی که ریشه دوانیده است درشئون مختلفهٔ کشور وباعث یك سلسله فساد هائی شده است اینستکه در مملکت ما بدبختانه یك عده ای پیدا شده اند که بدون رنج وزحمت بدون کشیدن زحمت بدون اینکه حق داشته باشند استفاده بکنند استفاده میکنند وآن دسته ای هستند که انگل ویارازیت هستند (صحیح است) متأسفانه این مثل سرطان شده است در وجود جامعه ما برای اینکه اصل توازن آرزو ها را بامقدرات از بین برده است وقتی که ما دیدیم بانکشیدن زحمت وبکار نبردن وقت میتوانیم یك استفاده هائی بکنیم آن منظور دیگر برای ما آرزو نمیشود وازطفل دبستان تاهر کس دیگر وقتی دید که فلانکس بدون نکشیدن زحمت صاحب مال ومنال واتومبیل ومقام شده میگوید چرا من نشوم (آفرین - احسنت) اینستکه ما باید در اقدامات ریشه دارمان کاری بکنیم که این سبك واین راه وروش ازبین برود (صحیح است) ازطرف دیگر ما شرط کرده ایم که واقع بین باشیم وعوام فریبی نکنیم و ماه را از آسمان بکسی وعده ندهیم • یکی از بدبختی های ما این بوده است که یك دسته هائی آمده اند و یك وعده های فریبنده ای داده اند وعدهٔ فریبنده هم البته جاذب است ولی مردم متوجه نمیشوند که یك وعده هائی است که قابل انجام نیست ما سعی میکنیم که آن وعده هائی که میدهیم وکارهائی که میکنیم مطابق با واقعیت باشد واز عوام فریبی و هو وجنجال احتراز کنیم• لطفی که آقایان وکلا تقریباً مخالف وموافق فرمودند این بود که بدسته ای که ما دورهم جمع شده ایم ودولت را تشکیل داده ایم حسن نظر دارند بنده ازطرف تمام همکارانم تشکر میکنم ولی اگر خودستائی نباشد دو چیز دیگر هم باین اضافه بکنید علاوه برمتقی بودن ما مدعی هستیم که همه مان درسر کارهایمان یك کاردانی راجع بآن کار داریم وبالاتر ازهمهٔ اینها که شاید در این اواخر سابقه نداشته است ما متجانس وهمصدا وازخود گذشته هستیم که ولو باینکه گفته شد در اینجا که در این دولت وسیله بشود ما را لجن مال بکنند وما آتیهٔ سیاسیمان راازدست بدهیم ما باکمال میل حاضر هستیم که در این میدان تجربه وارد بشویم و اینکارها را بکنیم مادرموقع رأی اعتماد نمیخواهیم دستهٔ مخالف سابق طرفدار ما باشد نه دستهٔ موافق بادولت سابق موافق ماباشد ما میخواهیم که مارا آنچه که هستیم قضاوت کنید نظر ما را ببینید قضاوت بفرمائید از روی وجدان پاك بما رأی بدهید

(صحیح است) ولی تمام این همبستگی که ما باهم داریم تمام این صداقت و کاردانی که میخواهیم نشان بدهیم کافی نخواهد بود مثل یك دیواری میماند که یك ستونش کم باشد آن ستون پشتیبانی مجلسین ومردم ایران است اگر درتمام این نظریات اصلاحی و دفع فساد که ما داریم مردم ومجلسین باما همکاری وهمراهی کردند این وظیفهٔ ما سبکتر و آسانتر میشود و زودتر بمقصد میرسیم واگر خدای نخواسته این کمك بما نشود توقع زیادی ازما نمیشود داشت ولی بنده امیدوارم که بافضل خداوند وپشتیبانی اعلیحضرت اگر بما رأی اعتماد دادید ما هم درعالم وظیفه شناسی ازخدمت خودمان قصور نکنیم• متحد شده یك دل نا خدا وکشتیبان نه زموجشان وحشت نه هراس ازطوفان مقی وباایمان جانشان بهم پیوست دردل چنین کشتی نور رستگاری هست• (احسنت - احسنت)

۴- تعیین موقع ودستور جلسهٔ بعد ختم جلسه

رئیس- آقایان توجه بفرمایند • توضیح آقای تیمورتاش درپیشنهاد کفایت مذاکرات ودفاع یك مخالف بجلسهٔ آینده موکول میشود (صحیح است) یعنی درآن روز بحث میکنیم روز ۲۶ در ساعت ۱۲٫۰ یکسال ازعمر مجلس میگذرد باید هیئت رئیسه انتخاب وتجدید شود بنابراین آقایان روز شنبه تشریف میآورند برای کارهای داخلی مجلس و روز یکشنبه در برنامهٔ دولت بحث میشود• آقای اردلان فرمایشی دارید؟

صفائی- صبح یکشنبه راجله بفرمائید اول هیئت رئیسه انتخاب میشود بعد برنامهٔ دولت مطرح میشود•

رئیس- ساعت دوازده و نیم روز شنبه یکسال منقضی شده است

اردلان- عرض میشود قبل ازانقضا که نمیشود رأی داد باید منقضی شود وبعد مجدداً انتخاب شود

رئیس- ساعت ۱۲٫۰ روزشنبه مدت یکسال منقضی میشود قبل از انقضاء تا ۱۲٫۰ هیئت رئیسه باقی است بعد کمیق ندارد بیایند بنشینند اینجا بنابراین باید قبل از ساعت دوازده ونیم روز بیست و ششم انتخابات هیئت رئیسه عملی گردد درهرحال صبح شنبه جلسه تشکیل میشود برای انتخابات هیئت رئیسه وروز یکشنبه هم دنبالهٔ مذاکرات در برنامهٔ دولت•

(مجلس یکساعت وده دقیقه بعد ازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورایملی- **رضاحکمت**